

پدیده

هفته‌نامه
سیاسی
اجتماعی
فرهنگی

شنبه ۴ دی ۱۳۹۵ ۳۰۰۰ تومان

دوره جدید، شماره: ۲۰ ۱۶ صفحه قیمت: ۳۰۰۰ تومان

December 24, 2016 WWW.padidehshahr.com

پازل تکمیل شده فقر و فساد در «چیتگر شمالی»

در حاشیه تهران!



«چیتگر شمالی» محله‌ای در مرز تهران که از حداقل‌های زندگی محروم است!



طلسم شکنی «وردآورد» با تدبیر مدیران

گنجینه تهران در قفسی!

«محله «وردآورد» پتانسیل تبدیل شدن به منطقه ۲۲ دیگری را دارد!

«پدیده شهر» گزارش می‌دهد:

«وردآورد» مقصد
بعدی انبوه‌سازان...

۱۴

«پدیده شهر» وضعیت محله «چیتگر شمالی» را بررسی می‌کند:

از کدام مشکلات
حرف بزنم...

۳

تقی‌زاده، معاون حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی بیان کرد:

حل معضل آلودگی هوا
ساده است...

۲

سرمدبیر «پدیده شهر» مطرح کرد:

پیش شرط‌های عملی
شدن آرزوی قالیباف!

۲

صدای محله‌های تهران است

آگهی خود را به ما بسپارید ۸۸۳۲۰۶۵۴

هفته‌نامه
سیاسی
اجتماعی
فرهنگی
پدیده



این روزها از دیوار مهربانی فقط دیوارش مانده وانگار مهربانی اش کوچ کرده. چند میخ کج و کوله یا حفره‌های باقیمانده از رخت آویزی که آن راهم عده‌ای کندفاند

«مهربانی» کی آخر آمد؟ «دیوارش» را چه شد؟

«چرا یک کار خوب وانسانی رانیمه تمام رها کردیم؟ آن همه شور و اشتیاق چرا این همه زود در بسیاری از شهرها فرونشست؟ به دیوار اگر اعتقاد نداریم، به مهربانی که هنوز باور داریم.»

احسان محمدی در عصر ایران نوشت: «همه چیز خیلی ساده شکل گرفت. اول چند عکس دیوارهایی ساده با چند لباس آویخته به میخ در شبکه‌های مجازی با شعار «اگر نیاز نداری بذار و اگر نیاز داری بردار» و بعد موجی که انگار سر باز ایستادن نداشت. دیوار مهربانی برای ایرانیان از دیوار برلین مشهور تر شد. در تمام استان هامردم لباس هایی را که استفاده نمی کردند، می شستند، اتو می زدند و به دیوار های مهربانی آویزان می کردند تا مستحقی بردار د. خیابان خوبی سرمایه یا حتی نیازمندی آبرومند که شرمش می آمد، دستش را برآی گدایی دراز کند.

لذت بخش آن قدر شیرین بود که بسیاری از روزنامه های جهان از گاردین تا نیویورک تایمز در باره اش گزارش نوشتند و این کار ایرانیان را در خاورمیانه ای که بوی باروت و خون و عرق چنندش آور داعش گرفته بود، تحسین کردند اما این روزها انگار عمر دیوار مهربانی هم به سر آمده.

بعضی ها گفتند که معتادها و دله زدها می آیند و لباس هارا می برند و دست مستحق نمی رسد. برخی بهانه آوردند که این کار فخر فروشی به نیازمندان است و اگر راست می گویند بروید لباس نو بخرید. عده ای نوشتند که باید یک نهاد رسمی از این کار حمایت کند و گر نه فایده ندارد. کسانی ایراد گرفتند که لباس ها ممکن است آلوده به بیماری باشد و... از این بهانه هایی که عموما کسانی می آورند که خودشان حتی یک قدم بر نمی دارند و مثل شخصیت «گلام» در سریال گالیور فقط می گویند: «من می دونستم ماموق نمی شیم!»

این روزها از دیوار مهربانی فقط دیوارش مانده وانگار مهربانی اش کوچ کرده. چند میخ کج و کوله یا حفره های باقیمانده از رخت آویزی که آن راهم عده ای کنده اند. آیا همه نیازمندان صاحب لباس شدند؟ کار تن خواب ها به گرمخانه ها منتقل شدند و این شب های سرد کسی در خیابان تنش نمی لرزد؟ چرا یک کار خوب وانسانی رانیمه تمام رها کردیم؟ آن همه شور و اشتیاق چرا این همه زود در بسیاری از شهرها فرونشست؟ به دیوار اگر اعتقاد نداریم، به مهربانی که هنوز باور داریم.

این روزها به محض باز کردن اینستاگرام باید بروی زیر پتو شلغم بخوری، و گر نه از هجوم این همه عکس از برف سرما می خوری! خوب است که لذت می بریم از برف و بارانی که از راه می رسد اما یادمان نرود برفی که باعث می شود بالاخره بوت های خوشگل مان را بیوشیم و از پلیور و کت چرم مان رونمایی کنیم مثل افعی از سوراخ کفش کسی بالا می رود. از لای یقه باز کودکی از آرنج شکافته شده مردی که روزگار با او نساخته یا باوروز گار نساخته، بالا می رود و خونش را منجمد می کند. به آنها هم فکر کنیم.

شعار درمائی و سخنرانی های کوبنده برخی مسئولان وسط زمستان برای هیچکس لباس گرم نمی شود. برای هیچکس پاپوشی نمی شود که آب باران از سوراخش به داخل نلغزد.

لطفا همین امروز بروید سراغ لباس هایتان. آنها یی را که نیاز ندارید، بشویید، اتو بزنید و کنار بگذارید و هر وقت به خیابان می روید چند تایی راتوی کوله پشتی تان بگذارید و به خیابان خواب ها، به بچه های کار بدهید. به لطف تلاش برخی مدیران به محض بیرون آمدن از خانه یک نفر را می ببینید که مثل بید می لرزد یا به او لباس گرم بدهید و «پاداش آن تان» را از شنیدن تشکرش، از دیدن چشم های قدر دانش، از سر تکان دانش بگیرید و لذت ببرید از حس خوب بخشش.

سال گذشته چند کار تن خواب گوشه خیابان ها از سرما یخ زدند، مُردند. دفن شدند. از یاد رفتند. به داد هم برسیم. با دیوار مهربانی، با کوله پشتی مهربانی، به مهربانی.»

ضرورت برخورد پلیس با فروشندهگان طرح ترافیک

مدیر کل واحد صدور آرم طرح ترافیک شهرداری تهران از لزوم جمع آوری وساماندهی فروشندگان دستی مجوز ورود به طرح ترافیک از سوی پلیس خبر داد. مصطفی قنبرنژاد، در خصوص فروشندهگان آرم های طرح ترافیک روزانه گفت: افرادی که در مبادی ورودی طرح ترافیک، آرم می فروشند هیچ وابستگی به شهرداری تهران نداشته و باید پلیس راهور یا نیروی انتظامی با آنها برخورد کند. وی گفت: متاسفانه با اینکه تعرفه خرید آرم های روزانه بنابه ساعت ورود به طرح مشخص است اما این افراد تعرفه های متعددی را از مردم دریافت کرده و بر همین اساس شاهد دریافت شکایات مردمی در این زمینه هستیم. مدیر واحد صدور آرم طرح ترافیک شهرداری تهران با بیان اینکه گزارش تخلفات این افراد به پلیس راهور ارسال شده است و امیدواریم این افراد توسط پلیس ساماندهی و یا جمع آوری شوند گفت: مردم نیز نباید از این افراد در صورتی که می توانند به راحتی به وارز کردن یک کس، آرم ورود به محدوده طرح ترافیک را خریداری کنند، اعتماد کرده و از آنها طرح ترافیک بخرند.



عابدین سالاری اسکر، اخیرا شهردار تهران در جمع شورایاران منطقه ۷ مطلبی با این مضمون بیان کردند: «ما برای ۶۳ محله ای که فقیرترین و نیازمندترین محلات شهر تهران هستند تصمیم گیری کرده ایم تا بتوانیم با کمک یکدیگر مسائل

شهردار تهران در سال پایانی از دوره ۱۲ ساله تصدی خود بر شهرداری تهران این سخن را می گوید. گرچه این سخن بسیار دیر گفته شده است، اما اگر معنای این سخن متضمن تغییر در نگرش مدیریت شهری نسبت به اولویت های شهر تهران باشد، باید آن را به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد. ما در هفته نامه «پدیده شهر» در بیست شماره اخیر خود تلاش کردیم صدای این محلات باشیم. تجربه حضور میدانی در این مناطق، این انگیزه را به نگارنده داد تا در خصوص این موضوع مطالبی را ارائه نماید. شاید این تجربه بتواند در جهت حل مسائل این محلات موثر باشد.

«فقر» و «نیازمندی» ابعاد مختلف و پیچیده ای دارد. در خصوص نحوه محاسبه

کمی آن نیز کارهای تئوریک مفصلی توسط اقتصاد دانان صورت گرفته است. فهم نگارنده به عنوان دانش آموخته رشته اقتصاد این است که بخشی از فقر موجود در محلات تهران محصول کارکرد متغیرهای کلان اقتصادی – اجتماعی است که در سطح ملی و حتی فراملی رخ داده است. به عبارت دیگر مدل های خاص توسعه ملی و عدالت باید به سمت بازشناسی متغیرهای این بخش از مدل رفت. برای روشن تر شدن این بحث ناگزیرم مثال های عینی و ملموس ارائه کنم. محله «کن» و محله «ده ونک» دو نمونه عینی از این مساله هستند که محدودیت های کالبدی و بلا تکلیف بودن مردم در آنها در طول بیش از دو دهه فراموشی و بی توجهی باعث ریشه دار شدن فقر در آنها شده است. محلات بسیاری در تهران هستند که در این محدودیت ها و بی توجهی های کالبدی و شهرسازی گرفتار هستند. بنابراین نسخه درمان درد این محلات، از قضا در حوزه اختیارات و کارکرد های شهرداری تهران می باشد. برخی دیگر از محلات تهران نیز فقر آنها محصول نوع دیگری از کارکردهای به دور از عدالت برنامه های مدیریت شهری شهر تهران می باشد. بنابراین پیش نیاز اولیه و اصلی، تفکیک نوع فقر در این محلات و ریشه های آن می باشد. تجربه نگارنده از بازدیدهای میدانی نشان میدهد که جنس مسائل این محلات متفاوت است و حتی تا کنون نتوانسته ام معیارهای ثابتی برای انتخاب لیست محلات فقیر تهران، بر اساس آنچه ملاک نظر شهرداری تهران است، بیابم. به عنوان مثال این چالش در بین بسیاری از شورایاران

شده است. : در ساختار اقتصادی ایران، این دولت مرکزی است که قدرت و امکان برنامه ریزی برای حل مساله فقر را دارد. این در حالی است که شهرداری با توجه به ساختار درآمد- هزینه خود، نه توان حل این مساله را دارد و نه در حوزه ماموریت های آن تعریف شده است.

ساده تر از آن است که فکر می کنید حل معضل آلودگی هوا

مهر داد تقی زاده می گوید: «گرچه استاندارد بودن سوخت، خودرو، خروج خودروهای فرسوده و نصب کاتالیست و... بدون شک بسیار حائز اهمیت هستند، اما در همه ی کشورها راه حل کلیدی حل معضل آلودگی هوا، توسعه و ترویج حمل و نقل عمومی درون و بیرون شهری دانسته و در کنار آن به موارد مذکور پرداخته اند.»

به طور کلی در وهله اول در کشورهای پیشرفته به دنبال این هستند که حمل و نقل عمومی قوی، گسترده، متنوع، سریع، دقیق و کارآمدی داشته باشند، به این منظور که درصد بالایی از سفرهای درون و بیرون شهری را به خود جذب کرده و حتی مالکان خودروهای شخصی نیز راحتی جالبی با حمل و نقل عمومی را در نظر گرفته و با انتخاب خود، به صورت روزانه سفر با حمل و نقل عمومی را به استفاده از خودروهای شخصی ترجیح داده و از خودروی شخصی خود برای تعطیلات آخر هفته استفاده نمایند. پس از اینکه این کار در سطح وسیعی انجام شد و سر فاصله ی مترو را به دو دقیقه رسانده؛ شبکه را گسترده نموده؛ خطوط فیدر را ایجاد و گسترده کرده؛ شبکه با پایین ترین سر فاصله حرکت را برای BRT، اتوبوس و مینی بوس را ایجاد و مردم را بیدان جذب نمودند. به این ترتیب ۸۰٪ از معضل را حل نموده اند. البته باز هم تعدادی از مردم می مانند که از خودروهای شخصی یا تاکسی استفاده می کنند، پس اینجاست که وضع قوانین و ضوابط سخت گیرانه در بررسی فنی خودرو، سوخت، فیلتر، خودروی برقی و... و الزام همه ی صاحبان خودروی شخصی و تاکسی به رعایت آن ها می تواند ۲۰٪ باقیمانده از معضل را حل نماید. ولی در کشور ما مشکل این است که ده ها سال است به حل آن ۲۰٪ آخر پرداخته شده (آن هم ناقص) و ۸۰٪ مهمترین بخش کار مدت هاست رها شده است. ترغیب کلامی و بی اثر مردم به حمل و نقل عمومی بیامی است که در راستای حل بخش ۸۰ درصدی معضل انجام می شود. اما این چه پیام اشتباهی است؟! چرا مردم را به استفاده از

۱-۲: همانگونه که در ابتدای نوشتار مطرح شد، بخشی از فقر ساختاری موجود، محصول مدل های نامتقارن توزیع منابع و مختصات کالبدی پیگیری شده، توسط مدیریت شهری با محوریت شهرداری تهران در دو دهه اخیر بوده است. پذیرش این مهم، نشانه این است که برای حل مساله فقر و ایجاد عدالت باید به سمت بازشناسی متغیرهای این بخش از مدل رفت. برای روشن تر شدن این بحث ناگزیرم مثال های عینی و ملموس ارائه کنم. محله «کن» و محله «ده ونک» دو نمونه عینی از این مساله هستند که محدودیت های کالبدی و بلا تکلیف بودن مردم در آنها در طول بیش از دو دهه فراموشی و بی توجهی باعث ریشه دار شدن فقر در آنها شده است. محلات بسیاری در تهران هستند که در این محدودیت ها و بی توجهی های کالبدی و شهرسازی گرفتار هستند. بنابراین نسخه درمان درد این محلات، از قضا در حوزه اختیارات و کارکرد های شهرداری تهران می باشد. برخی دیگر از محلات تهران نیز فقر آنها محصول نوع دیگری از کارکردهای به دور از عدالت برنامه های مدیریت شهری شهر تهران می باشد. بنابراین پیش نیاز اولیه و اصلی، تفکیک نوع فقر در این محلات و ریشه های آن می باشد. تجربه نگارنده از بازدیدهای میدانی نشان میدهد که جنس مسائل این محلات متفاوت است و حتی تا کنون نتوانسته ام معیارهای ثابتی برای انتخاب لیست محلات فقیر تهران، بر اساس آنچه ملاک نظر شهرداری تهران است، بیابم. به عنوان مثال این چالش در بین بسیاری از شورایاران

الزامات و پیش شرط های عملی شدن آرزوی قالیباف!

وجود دارد که چرا محله آنها در این لیست، وجود ندارد. آنچه در بند قبلی گفته شد، به معنای مخالفت با ساماندهی این ۷۰ هزار خانواده نیست. اتفاقا در این فقره کاملا با شهردار تهران موافق هستیم. صرفا تعریض به این بود که پرداختن به این مساله در سطح شکل و ظاهر آن باقی نماند. حتی در این حوزه پیشنهاد مشخص و روشن به شهردار تهران این است که از بودجه ناکارآمد فرهنگی این خانوارها هزینه کند. بدون شک، تحقق این امر، صلاح و ثواب دنیا و آخرت شهردار تهران را به دنبال خواهد داشت. به باور شهردار تهران در ساختار قدرت دارد، یکسری تصمیمات در حوزه کالبدی و واگذاری برخی املاک و زمین ها به نفع مردم و شهر، می تواند در دایره پیشنهادی به شهردار تهران جهت حل فقر ساختاری برخی محلات مورد بررسی قرار گیرد. ارزیابی که نگارنده از قضاوت مردم در خصوص طرح های جهادی دارد، این است که این طرح ها نمی تواند نسخه راهگشایی برای حل مساله فقر و عدالت در سطح محلات شهر تهران باشد. حتی در برخی موارد نگاهی منفی نسبت به آن وجود دارد. از این رو پیشنهاد میشود که شهرداری تهران به یک ارزیابی اجتماعی دقیق از نتایج طرح های جهادی داشته باشد. هفته نامه «پدیده شهر» به دلیل اینکه اولویت و رسالت اصلی خود را پیگیری مسائل و مشکلات این محلات می داند، این آمادگی را دارد که با شهرداری تهران در این زمینه همکاری لازم را انجام دهد.



شاید بهتر باشد مردم به این سیستم حمل و نقل همگانی فعلی، ترغیب نشوند، چرا که امکان دارد از حمل و نقل عمومی بیزار شوند. جالب است که در بسیاری از نقاط شهر، اصلا شبکه حمل و نقل همگانی وجود ندارد (نه اتوبوس، نه BRT، نه ریلی). تازه، این وضع تهران است که پروژه های مهم و ارزشمندی را در زمینه حمل و نقل همگانی اجرا کرده است، سایر کلانشهرها قطعاً حمل و نقل همگانی ضعیف تری دارند و باید به مردم حق داد که از خودروی تک سرنشین خود استفاده کنند. البته در عوض بزرگراه های خوبی داریم و خودروی شخصی علیرغم ماندن در ترافیک، هنوز راحت ترین وسیله نقلیه و مُدِ تر محبوب می شود. و این نشان می دهد که سیاست های خرد و کلان همه ی کلانشهرهای ما یا «خودرو محور» شدن همسواست. یکی دیگر از اشتباهات این است که هر دو مُد حمل و نقل همگانی و خودرو و شخصی را با هم توسعه می دهند و توسعه دو مُد حمل و نقلی که همواره رقیب هم محسوب می شوند، سیاست صحیحی به نظر نمی آید زیرا در این صورت، مردم به علت جذابیت خودروی شخصی، به این سمت گرایش پیدای می کنند.

ادامه در صفحه ۱



افسانه قانع: از کدام مشکل ممله «چیتگر شمالی» مرف بز نیم؛ از آب تصفیه نشده ممله که سنگ کلیه را برای ساکنان فقیر این ممله به ارمغان آورده یا فانواده هایی که داشتن نان شب بزرگترین رویای شبانه کودکانشان شده است. شاید بهتر باشد که شروع گزارش ما را از همان آب انباری شروع کنیم که پیرمرد سه‌بزاری به همراه زن وپسرش داخل آن زندگی می‌کردند و وقتی از او پرسیدیم چه آرزویی دارد؛ پشتمه پشتمانش جوشید و گفت: «... دقترم! من آبرو دار هستم... فکر نکنم شهردار تهران مرف‌های مرا بشوند... اما برای رضای خدا ما را از این دغمه بیرون بیاورید...»

شاید نام چیتگر برای تهرانی‌ها تنها نام بوستانی برای تفریح و دوپرفه سهواری باشد؛ اما چیتگر نام یکی از ممله‌های قدیمی تهران است که پیش از ممله شدن روستایی قدیمی بود با باغ‌هایی که انارش به اندازه انار ساوه معروف بود. اما با از بین رفتن باغ‌های انار؛ کارگاه‌های رنگرزی پارچه که با پوست انارهای چیتگر سرفی را روی لباس تهرانی‌ها نقاشی می‌کردند؛ کارخانه‌ها یک به یک در کنار این ممله ساخته شدندو پا گرفتند. ومود همین کارخانه‌ها کافی بود تا جمعیت زیادی از شهرهای مختلف ساکن زمین‌های کشاورزی و باغات ممله شدند. هر مقدر که تهران رشد کرد؛ اما ممله «چیتگر شمالی» به خاطر مهاجرپذیر بودن در مشکلات خود غرق شد و مسؤلان هم این ممله را با تمام مشکلاتش فراموش کردند. در این شماره از مهلهای گزارش می‌نویسیم که آب پراز املامش ساکنان ممله را مریض کرده است و یک درمانگاه هم داخل این ممله قدیمی نیست.

«چیتگر شمالی» به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود و یکی از محله‌ها نسبتاً قدیمی در غرب تهران است که حدود صد سال پیش شکل گرفت. چیتگر قدیم، سال ۱۳۰۰ در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص، روبه‌روی بانک سپه فعلی قرار داشت که به علت ساخت جاده مخصوص به محل فعلی چیتگر جنوبی منتقل شد و یک ده با چهار برجک در قالب قلعه چیتگر در آن ساخته شد که امروز از آن بناهای قدیمی فقط

۲ برجک و حمام قدیمی مانده است. قدیمی‌های می‌گویند املاک و بناهای چیتگر متعلق به مرحوم دکتر حسایی بود که حدود ۲۶هکتار از زمین‌های خود را از طریق شرکت‌های تعاونی مسکن به ژاندارمری واگذار کرد و باقی املاکش را هم به رعیت‌ها داد که به مرور به منطقه‌ای مسکونی تغییر کرد و در حاشیه آن کارخانه‌های مختلف صنعتی از جمله شرکت‌های تولید خودرو و ساخته شدند. به مرور زمان ده چیتگر هم بافت شهری پیدا کرد و از حال و هوای روستایی درآمد. در قدیم، ده چیتگر پر بود از باغ‌های وسیع انار و بخش اعظم در آمد ساکنان آن از طریق کشاورزی و کاشت درخت انار تأمین می‌شد. باغدارها از پوست انار برای رنگ کردن پارچه‌های چیت انار استفاده می‌کردند و علت نامیدن محله به «چیتگر» هم از همین رنگ کردن پارچه‌ها آمده است. گویا چیتگر در گذشته چند کدخدا داشت که از میان آنها فقط نام کدخدا دخیل و کدخدا حسین به یاد مانده است: «... این محله از شمال به کن، از غرب به رودخانه قوری‌چای (محله وردآورد)، از شرق به تهرانسر و از جنوب به شهرک دانش منتهی می‌شود... اما اکثر این زمین‌ها بعد از مدتی به شرکت تاج شهر یا شرکت ثمین واگذار شد... بعد از مدتی شرکت ایران خورد توسط مهندس خیامی و شرکت سایپا توسط شخصی به نام آنتوان ساخته شد که همین امر باعث رونق بیشتر چیتگر شد... با ساخت جاده مخصوص کرج از بین اراضی چیتگر، این مکان به دو قسمت چیتگر شمالی و جنوبی تقسیم شد که در حال حاضر جمعیت این

محله بالغ بر ۱۳ هزار نفر است... بافت این محله مسکونی است و برخی از اهالی در ضلع جنوبی منزل مسکونی خود را به کارگاه‌های کوچک تبدیل کرده که با توجه به شناخته شدن چیتگر به عنوان محله مسکونی قرار بر این شد که این کارگاه‌ها جمع‌آوری شود چرا که اغلب مورد شکایت سایر اهالی قرار گرفته است...»

اولین مشکل محله چیتگر شمالی میداین میوه و تره بار آن است که با داشتن ۴ غرفه نمی‌تواند نیاز اهالی را برآورده کند: «... قطعه زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر در اختیار سازمان میوه و تره بار شهرداری است که با وجود ۴ غرفه در سطح بسیار ضعیف و نامطلوبی به شهروندان خدمات رسانی می‌کنند و هیچ یک از اهالی از این نحوه فعالیت رضایت ندارند... چندسال پیش شورایی محله پیشنهاد داد شهرداری با ساخت مجموعه کامل چند طبقه ورزشی، تفریحی، فرهنگی و تجاری و یا حتی در مانگاه شبانه روزی در این قطعه زمین می‌تواند بسیاری از مشکلات محله را رفع کنند اما با پیگیری‌های متعدد شورایی، این امر هنوز محقق نشده و در این زمین بزرگ تنها ۴ غرفه فروش میوه وجود دارد...»

با توجه به جمعیت محله؛ اما چیتگر شمالی از لحاظ امکانات فرهنگی و اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد که البته بخشی از این مشکلات با راه اندازی سرای محله جبران شده است اما کافی نیست: «... نبود کتابخانه و سالن ورزشی نیز از دیگر درخواست‌های شهروندان است... نصب پل عابر پیاده، تعریض و آسفالت خیابان‌ها و کوچه‌ها، نبود روشنایی در معابر، نداشتن مرکز درمانی، نبود سینما و مرکز کامل خرید در سطح محله از دیگر مشکلات موجود در این محله است... در محله دو پل عابر پیاده داریم که یکی مکانیزه و دیگری معمولی است که باعث مشکل جهت اهالی محله است و تعداد قابل توجهی از اهالی در حین عبور از خیابان از بین می‌روند... با توجه به وجود سازمان تأمین اجتماعی در ضلع شمالی محله و همچنین

که صورت‌هایشان باسپلی سرخ شده!

آب تصفیه نشده یا خانواده‌هایی

از کدام مشکلات حرف بزنم

هفته‌نامه «پدیده شهر» از وضعیت محله «چیتگر شمالی» گزارش می‌دهد:



دنیامالی

تراکم شهر تهران برای هر کیلومتر مربع بین ۱۲ تا ۱ هزار نفر است که این نشان از تراکم حدود ۳ برابری و در نتیجه ریزدانگی و فشرده‌گی ویژه دارد

تراکم منطقه ۱۵ سه برابر نرم شهر تهران

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به تراکم سه برابری منطقه ۱۵ خواستار توجه ویژه مدیریت شهری به این منطقه شد. به گزارش خبرگزاری مهر، احمد دنیامالی با حضور در منطقه ۱۵ به تبیین مشکلات و نیازهای این منطقه پرداخت و گفت: این منطقه یکی از مناطق جنوبی است و با مشکلات زیادی دست به‌گریبان است. وی تصریح کرد: این منطقه به‌لحاظ عملکردی یک نقطه تبادل ترافیک شهری و غیرشهری محسوب می‌شود در عین حال مهم‌ترین موضوع این منطقه تراکم جمعیتی ساکن در این منطقه است. رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل ادامه داد: جمعیت منطقه ۱۵ بالای ۶۴۰ هزار نفر است در حالی که مساحت ۲۰ کیلومتر مربعی دارد که نشان می‌دهد تراکم جمعیتی برای هر کیلومتر مربع بین ۳۰ تا ۳۵ هزار نفر است.

دنیامالی تصریح کرد: تراکم شهر تهران برای هر کیلومتر مربع بین ۱۱ تا ۱۲ هزار نفر است که این نشان از تراکم حدود ۳ برابری و در نتیجه ریزدانگی و فشرده‌گی ویژه دارد. وی افزود: فشارهای ناشی از شهرک‌های اقماری که در اطراف این ناحیه شکل گرفته است نیز مشکل دیگری است که این منطقه با آن روبروست. رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل تاکید کرد: وجود این شهرک‌ها تبعات فرهنگی و مشکلات اجتماعی و مشکلات فراوان دیگری را به وجود می‌آورد که اگر هر چه زودتر برای آن تدبیری اندیشیده نشود با مشکلات و مسائل حادث‌تر و پیچیده‌تری روبرو خواهیم شد. دنیامالی اظهار داشت: باید در شورای شهر به این‌گونه مناطق که کارکردهای ویژه‌ای داشته، اثرات وضعی حریم را تحمل می‌کنند و تراکم بالایی نیز دارند توجه ویژه‌ای در تخصیص منابع و کارکردهای حمل‌ونقلی و سرمایه‌گذاری بشود.

کاهش فاصله شمال به جنوب در حد یک شعار باقی نماند!

دبیر شورایی منطقه ۱۷ گفت: این منطقه از نبود توازن در توزیع سرانه‌های آموزشی و فضای سبز رنج می‌برد و این در حالی است که بودجه مناسبی به این منطقه اختصاص داده می‌شود. دبیر شورایاران منطقه ۱۷ در جلسه روز سه‌شنبه شورا با ارائه گزارشی موضوع بودجه منطقه را مطرح کرد و گفت: بودجه سال گذشته منطقه ۱۷، بودجه کارآمدی نبوده و در راستای اهدافی نظیر کاهش فاصله شمال و جنوب شهر نبوده است، خواسته ما این است که با توجه به کمبودهایی که در منطقه وجود دارد توجه بیشتری در این زمینه به منطقه ۱۷ شود. وی افزود: منطقه ۱۷ جز مناطق کم‌برخورداری است که ساکنان آن از نبود امکانات رنج می‌برند. پورعباسی در ادامه اظهار داشت: منطقه ۱۷ یکی از مناطق مهاجرپذیر است ولی به دلیل اینکه امکانات رفاهی کمی دارد، ساکنان این منطقه را تخلیه می‌کنند و به دیگر مناطق می‌روند؛ هر چند مدیریت شهری به واسطه تدبیر شهرداری و همکاری شورایی‌ها اقدامات بسیاری انجام داده‌اند اما کاستی‌هایی نیز وجود دارد. وی افزود: تکمیل نشدن پروژه‌های نیمه‌تمام، یکی دیگر از مواردی است که موجب کمبودها در این منطقه شده است. پروژه‌هایی که با گذشت هفت سال هنوز ۲۰ درصد پیشرفت نداشته است که البته در پاسخ به این مطالبه عدم تخصیص اعتبارات و بودجه مناسب را عنوان می‌کنند لذا می‌بایست در راستای جبران این نقصان‌ها اقدامات لازم صورت گیرد. دبیر شورایی منطقه ۱۷ گفت: این منطقه با اعتیاد، فقر و دیگر مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مواجه است که باید برای حل آن نیز اقدامات لازم صورت گیرد و نهایتاً کاهش فاصله شمال به جنوب در حد یک شعار باقی نماند. وی یادآور شد: مدیریت محله طرحی بسیار عالی است که می‌تواند خدمات فرهنگی و اجتماعی لازم را ارائه دهد و از ظرفیت‌های مدیریت محله باید بیشتر استفاده شود. در حال حاضر ما به سمتی می‌رویم که مدیریت محله ضربه می‌خورد، بلکه باید برای این ظرفیت، اقدامات و برنامه‌ریزی‌های لازم اتخاذ شود. وی در ادامه سخنان خود به معضل راه‌آهن در این منطقه اشاره کرد و گفت: متأسفانه خطر راه‌آهن سبب شده این منطقه به دو نیمه شمالی و جنوبی منشق شود و مشکلات و تبعات بسیاری را متوجه اهالی منطقه کند. ما، مأمیداور بودیم که به توافقات شورا با راه‌آهن معضل حل شود اما مشکل همچنان پابرجاست.

توزیع نشدن سرانه‌های آموزشی و فضای سبز در منطقه موضوع دیگری بود که دبیر دبیران شورایی منطقه ۱۷ به‌ان اشاره کرد و گفت: متأسفانه بوستان‌ها و مدارس این منطقه محدود هستند به طوری که تراکم جمعیتی در این فضاها بسیار زیاد است. باید هر چه سریعتر در این زمینه اقدام شود. پورعباسی همچنین زیرگذرهای این منطقه را فضای ناامن شهری خواند و گفت: در راستای ساماندهی این فضاها باید اقدام شود. وی در پایان افزود: پروژه‌ای که منجر به توزیع ثروت شود در این منطقه اجرا نشده که خواسته‌ما از مدیریت شهری این است که به این نکته نیز توجه کنند.

منطقه جهت دریافت پایسان کار مبلغ زیادی

را جهت این امر تخصیص داده که همین امر باعث پلمپ شدن و حتی بسته شدن برخی از این مغازه‌ها شد... با کمک اعضای شورایی در خواست دادیم تا نرخ این مصوبه با توجه به طبقه ضعیف و کارگر نشین محله در شورا مطرح شود و یا حداقل از تخفیف ویژه برخوردار شوند که هنوز بسیاری از این مغازه‌ها پلمپ شده باقی مانده و یا تخریب شده‌اند...»

آنتن‌های مزاحم مخابرات

وجود آلودگی تشعشعات مخابراتی و امواجی که به سلامت شهروندان ضرر می‌رساند؛ یکی دیگر از مشکلاتی است که اهالی محله چیتگر شمالی به آن اشاره می‌کنند: «... وجود شرکت مخابرات در محله و همچنین نصب آنتن‌های شرکت ایرانسل بر روی بام برخی از خانه‌ها موجب ناراضی‌تی مردم و اهالی محل شده است... استشهاده محلی جمع‌کردیم و موافقت مالکان خانه‌هایی که این آنتن‌ها روی آن نصب شده است را هم گرفتیم تا از خیر پولی که از شرکت ایرانسل بابت این کار می‌گیرند؛ بگذرند اما گویا شرکت ایرانسل مخالف برداشته شدن این آنتن‌هاست...»

کارگاه‌های مزاحم داخل بافت مسکونی

به رغم آنکه برابر قانون باید کارگاه‌های تولیدی از داخل بافت مسکونی خارج شوند؛ اما محله چیتگر شمالی همچنان درگیر حضور این کارگاه‌ها داخل محله است: «... وجود کارخانجات و کارگاه‌های متعدد در اطراف و ضلع جنوب محله یکی دیگر از مشکلات محله چیتگر شمالی است... می‌گویند بر اساس طرح تفصیلی جدید محله وجود این کارگاه‌ها داخل بافت مسکونی غیرقانونی است... خیلی از این کارگاه‌ها هم مجوزهای لازم را ندارند... آلودگی‌های زیادی این کارگاه‌ها برای محله ایجاد کرده‌اند... سطل زباله برخی از کوچه‌ها محله پراز ضایعات تولیداین کارگاه‌هاست و کافی است تا باد شهریار به چیتگر برسد کل محله پر می‌شود از پسماندهای این کارگاه‌ها...»

قدیمی‌های می‌گویند املاک و بناهای چیتگر متعلق به مرحوم دکتر حسایی بود که حدود ۲۶هکتار از زمین‌های خود را از طریق شرکت‌های تعاونی مسکن به ژاندارمری واگذار کرد و باقی املاکش را هم به رعیت‌ها داد که به مرور به منطقه‌ای مسکونی تغییر کرد و در حاشیه آن کارخانه‌های مختلف صنعتی از جمله شرکت‌های تولید خودرو ساخته شدند. به مرور زمان ده چیتگر هم بافت شهری پیدا کرد و از حال و هوای روستایی درآمد



پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران

بر اساس گزارش های منتشر شده جمعیت شهری جهان از ۰.۷ میلیارد نفر در سال ۱۹۵۰، به ۳.۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۴ رسیده است

شهر نشینی ایرانی در مرز ۷۵ درصدی

دکتر حسین محمدپور زرنندی در نشست علمی که با موضوع ارتباط میان اقتصاد مقاومتی و مدیریت شهری برگزار شد با اشاره به چهار چوب اقتصاد مقاومتی گفت: اقتصاد مقاومتی راهبردی است که در کوتاه مدت می تواند اقتصاد کشور را از وضعیت کنونی رها کرده و در آینده نیز بستر توسعه و پیشرفت اقتصادی را برای کشور به ارمغان آورد تا با اهداف سند چشم انداز و تبدیل ایران به قدرت اقتصادی منطقه و جهان اسلام راهگشا باشد.

رئیس مرکز آموزش مدیریت تخصصی اقتصاد شهری افزود: اقتصاد مقاومتی را نمی توان به چشم یک ایده صرف نگر بست که محدود به شعارزدگی باشد بلکه یک طرح کامل و تمام عیار است که هم ایده پردازی داشته هم بنیان نظری دارد، هم هدفمند بوده و هم استراتژی های معقول و ممکن برای رسیدن به هدف را در درون خود دارد و در واقع مهمترین وجه آن قابلیت اجراست.

رئیس انجمن علمی اقتصاد شهری ایران در ادامه با اشاره به وضعیت شهرنشینی در کشور گفت: اکنون جهان در عصر شهرنشینی قرار دارد و بر اساس گزارش های منتشر شده جمعیت شهری جهان از ۰.۷ میلیارد نفر در سال ۱۹۵۰، به ۳.۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۴ رسیده و طبق پیش بینی ها تا سال ۲۰۵۰ جمعیت شهرنشین جهان به ۶.۳ میلیارد نفر خواهد رسید؛ در این میان ایران نیز مانند سایر کشورهای در حال توسعه شهرنشینی سریع و مهار نشده را تجربه کرده و با توجه به تخمین نرخ رشد شهرنشینی در ایران به احتمال قوی در نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهرنشینی کشور به مرز ۷۵ درصد خواهد رسید. عضو هیئت علمی دانشگاه با اشاره به تکالیف اقتصاد مقاومتی خاطر نشان کرد: گسترش عدالت اجتماعی در شهر های یکی از اقدامات مؤثر مدیریت شهری در حوزه اقتصاد مقاومتی است چنانچه در بند نخست سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، افزایش مشارکت های اجتماعی در فعالیتهای اقتصادی و تشویق و تسهیل فعالیتهای مردمی مورد تاکید قرار گرفته است؛ بنابراین در شهرها تقویت مشارکت مردمی در اقتصاد شهر باید در دستور کار مدیران شهری قرار گیرد. صاحب امتیاز فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری همچنین در ادامه با تاکید بر اینکه اساسی ترین محور اجرایی سازی اقتصاد مقاومتی در بستر اقتصاد شهری پایدار سازی درآمدی است، گفت: توسعه تأمین مالی شهری با استفاده از بازار های مالی و پولی می تواند در تأمین درآمد های پایدار شهری که در حال حاضر تنها ۲۵ درصد از کل درآمد شهرداری ها را تشکیل می دهد، مؤثر بوده و نیاز مدیریت شهری به منابع درآمدی ناپایدار همچون فروش تراکم و ... را بر طرف کند. دکتر پور زرنندی یاد آور شد: تجربیات جهانی به ما نشان می دهد که شهر های توسعه یافته بیش از ۶۰ درصد هزینه های خود را از طریق درآمدهای پایدار، تأمین می کنند.

جمع آوری بیش از ۱۱ هزار متکدی در سطح شهر تهران

مدیر عامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران با اشاره به جمع آوری ۱۱ هزار و ۴۸۷ متکدی از سطح شهر تهران، گفت: این افراد توسط ۳۳۷۹ گشت فوریت های خدمات اجتماعی که در سه شیفت ۸ ساعته در طول شبانه روز و از خرداد ماه سال جاری مشغول به کار بودند جمع آوری شده اند. رضا قدیمی در هفتمین جلسه ستاد فرهنگی اجتماعی مدیریت و ساماندهی آسیب های اجتماعی ضمن ارائه گزارشی از روند اجرای طرح جمع آوری متکدیان سطح شهر تهران گفت: در حال حاضر ۱۵ مددسرا با ظرفیت ۱۸۰۰ نفر، دو سامان بسرا با ظرفیت ۳۷۰ نفر، ۱۶ مرکز پرتو (کودکان) با ظرفیت ۳۰۰۰ نفر و ۲۴ مرکز بهاران با ظرفیت ۵۰۰ نفر در شهر تهران مشغول ارائه خدمات هستند. وی افزود: در سطح شهر تهران متکدیان به دو دسته متکدیان بی خانمان که از سر اجبار دست به تکدی گری می زنند و متکدیان حرفه ای تقسیم می شوند. به طوریکه از میان متکدیان جمع آوری شده ۲۷۸۸ نفر متکدی حرفه ای هستند و ۸۶۹۹ نفر متکدیان بی خانمان هستند که از سر اجبار دست به تکدی گری می زنند. قدیمی در خصوص آمار متکدیان جمع آوری شده ادامه داد: از میان این افراد ۱۰ هزار و ۲۷ نفر مرد و ۱۴۶ نفر زن هستند که این متکدیان به سامان سراها منتقل شده اند. همچنین از میان متکدیان جمع آوری شده ۲۲ نفر از اتباع خارجی بودند که در میان آنها ۱۵۴ نفر تبعه کشور افغانستان و سایرین از کشورهای همچون پاکستان و ... بودند. مدیر عامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران به نقش ظرفیت سازمان های مردم نهاد برای مقابله با آسیب های اجتماعی اشاره کرد و افزود: تلاش کرده ایم که از ظرفیت گروه های مردم نهاد جهت همکاری و همیاری استفاده کنیم به طوریکه در طول سه شب گذشته مراسم جشن یلدادر مددسراهای شهرداری تهران توسط خیرین برگزار شد.

نه در مانگه داریم؛ نه مدرسه پسرانه

اکثر ساکنان محله چیتگر شمالی را باز نشسته های همسین کارخانه های جاده مخصوص تشکیل می دهند؛ افرادی که سال ها عمر خود را داخل این کارخانه ها به پیروی رسانده اند... اولین مشکل محله این است که یک در مانگه داخل این محله نیست... حتی برای زدن یک آمبول باید به تهرانسر، شتر قدس یا قلعه حسن خان برویم... اگر یک نفر ۸ شب دچار مشکل شود؛ یک در مانگه نداریم ... خیلی از افراد مسن که دچار سکت می شوند؛ اگر قبیل از آمدن آمبولانس نمیرند؛ حتما مدت زمانی که برای رساندن به اولین مرکز درمانی باید صرف شود؛ باعث مرگش می شود... نبود مدرسه پسرانه یکی دیگر از مشکلاتی است که اهالی محله با آن دست به گریبانند: «... فقط یک مدرسه ابتدایی و پیش دبستانی برای پسر ها داریم... بچه ها برای دبیرستان و راهنمایی باید با به ویلا شهر، پیکان شهر و قلعه حسن خان بروند... دو مدرسه قدیمی داریم که اگر یک خیر پیدا شود آموزش و پرورش می تواند بسازد...»

کارگاه های صافکاری و آژانس های بدون مجوز

وجود خودروهای زیادی که در حاشیه خیابان ها پارک شده است؛ یکی دیگر از مشکلات محله چیتگر شمالی است: «... این محل کل مشکلات دارد یک بار شهردار منطقه به مسجدسیدالشهدای محله آمد من به مشکلات محله اشاره کردم... وجود کارگاه های صافکاری یکی از مشکلات محله است... یک نفر آمده و برای صافکاری و نقاشی ماشین یک مغازه اجاره کرده و ۳۰ تماشین در خیابان گذاشته که منجر به تصادف می شود... کامیون ها را اسر دونش پارک می کنند و ماشین های گدزی دید ندارند و تصادف می کنند... اینجا تعداد صافکاری ها زیاد است و همین مشکل ایجاد میکند... آژانس ها هم به مشکلات ترافیکی محله می افزایند. به عنوان مثال یک آژانس یک خانه مسکونی را اجاره کرده و ماشین های خود را در خیابان پارک می کنند... رفت و روب محله هم تعریفی ندارد زمانی محله جارو می شود که شهردار بازدید داشته باشد... گاهی اوقات آقای غیائی شورایی محله دست سه کارگر شهرداری را می گیرد و می آورد تا محله را جارو کنند...»

جای امن فروشنده های مواد مخدر

هر چند معتادان و کار تنخواب ها چند سالی می شود که از محله چیتگر شمالی پاک سازی شده اند؛ اما همچنان این محله جای امنی برای فروش مواد مخدر است: «... اینجا هم فروشنده مواد مخدر دارد و هم خریدار ... تماس هم با ۱۱۰ می گیریم کاری انجام نمی دهند... بعد از ظهرها تعداد معتا دان زیاد می شوند... اکثر فروشنده مواد مخدر هستند و افراد زیادی برای خرید به این محله می آیند... فروشنده مواد مخدر اینجا زیاد است...»

ورزشگاهی که به در محله نمی خورد

هر چند محله چیتگر به ورزشگاه شهدای چیتگر نزدیک است؛ اما هزینه زیاد استفاده از خدمات این ورزشگاه باعث شده تا اهالی این محله کمتر رغبت به استفاده از این ورزشگاه که چند سال پیش افتتاح شده است؛ داشته باشند: «... ورزشگاه شهدای چیتگر چند ساله افتتاح شده و اصلا نمی دانیم اداره این ورزشگاه دست چه کسی است؟... اهالی محله نمی توانند از زمین فوتبال این ورزشگاه استفاده کنند... هزینه و



بازمین های محله چیتگر

بازمین های محله چیتگر شمالی زیاد است که برخی از این زمین ها به پارکینگ های محلی به ویژه در بافت فرسوده محله تبدیل شده است: «... الان شهرداری زمین خالی ها را اسفالت می کند... این زمین ها برای مردم است و مالک خصوصی دارد و



کردند و ساختمان های جدیدی که در یکی دو سال اخیر ساخته شده عقب نشینی نکرده اند... سوال ما از شهرداری منطقه این است که کدام ساختمان در دست عمل کرده اند؟... در یکی دو سال اخیر ساخت و ساز در محله رونق گرفت... یک عده ای که پول نداشتند به صورت مشارکتی ساختند... خیلی ها هم چون پول ندارند در همان خانه های فرسوده زندگی می کنند...»

سرخی گونه های من از سیلی است!

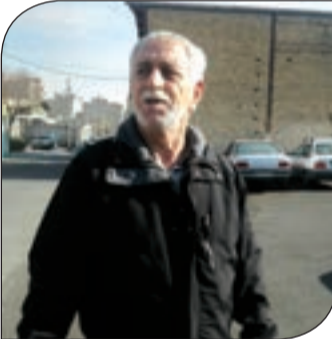
لايه لای خانه های فرسوده محله چیتگر شمالی خانواده هایی زندگی می کنند که داشتن یک لقمه نان آرزوی هر شب شان است... فرقی ندارد قبلا جزو سیاه لشگر های سینما بوده یا از همان مردم خدمتکاری می کنیم... شوهرم تصادف کرده و در خانه مانده است و نمی تواند کار کند... دوبار دیسک کمر عمل کرده ام، از صبح تا بعد از ظهر سر کار هستم... یک روز سعادت آباد می روم و یک روز راه آهن... روزی ۵ هزار تومان به من می دهند؛ اما روزی ۱۲ هزار تومان کرایه پرداخت می کنیم... چند سالی می شود شوهرم تصادف کرده... دستا نشان را دو بار عمل کرده و دیسک کمرش به نخاع رسیده است... یک دختر و یک پسر دارم... برای پول پیش خانه ۵ میلیون تومان از یک نفر قرض کرده ام و ندارم که پولش را بر گردانم... دخترم کلاس ششم هست... پسرم کلاس سوم؛ گاهی اوقات حتی یک لقمه نان نداریم که بخوریم... «اهل خراسان شمالی است و ۶ سالی می شود که با شوهر و دو بچه اش به تهران آمده است: «... آنجا همه معتاد بودند و ما آمدیم تهران... قبلا شوهرم در کار تأسیسات بود... دختر چه بیمه نداریم... اسم دارم و نمی توانم دارو تهیه کنم... اگر کار نکنم بچه هایم گشنه می مانند...»

شهردار یک روز به خانه ام آمد و فقط آسمان را نگاه کرد و رفت

۷۰ سال دارد و اهل سبزو ار است. خیلی وقت است که به تهران آمده است: «... اینجا در آب انبار این خانه بازن و یکی از پسر هایم زندگی می کنیم... یک بار شهردار منطقه به خانه ام آمد و قول داد تا کاری برای ما بکند؛ اما خبری نشد... می خواست دخمه ای که در آن زندگی می کنیم را رنگ کند... گفتم من مستاجر هستم و در این آب انبار زندگی می کنم؛ رنگ می خواهم چیکار... ۱۰ سالی می شود که ساکن این خانه شده ایم و غریب هستیم... قبلا نقاشی و صافکاری ماشین داشتم در منطقه ۸ که شهردار انجام لکی که از نیه مادرم بود را خرید... اما چون من تاننی بودم پول کمی به من رسید... بعد آمدیم اینجا... ۳ تا پسر دارم که شهردارستان هستند و دو دختر دارم که از دواج کرده اند... برای اجاره این آب انبار ماهی ۱۶ هزار تومان اجاره می دهیم... بعضی وقت ها ماشین رنگ می کنیم... یک بار کم زخم شکسته والان خوب نمی تواند راه برود... وقتی شهردار منطقه به خانه ام آمد و حرف هایم را شنید؛ فقط به آسمان نگاه کرد و رفت... گفت به من چی می خواهی؟ گفتم یک خانه تمیزی خواهم... پله های بلند آب انبار و دواتاق که پر از وسایل تنها سراسر پناه این پیر مرد است: «... یکی از پسر هام اینجا خودش را زندانی کرده... دوست ندارد زندگی کند... من و خانم هم داخل آشپزخانه زندگی می کنیم... من یک زمانی منطقه ۸ کار می کردم... خانه ام هفت حوض بودم... دخترم گفت بیا اینجا والان گیر کرده ایم... کل وسایل هایم در این دواتاق و بیرون داخل حیاط هست...»

وقتی از این پیر مرد می خواهیم تا یک حرف به شهردار تهران بزنند؛ تنها گفت: «... من از شهردار تهران هیچی نمی خواهم اما به خاطر خدا کمکم کنند... آرزو دارم از این آب انبار بیرون بروم...»

شوند...»



شوند...»



پازل تکمیل شده فقر و فساد در «چیتگر شمالی»

در حاشیه تهران!



در ادامه «ممله گردی» های هفتگی، این هفته به منطقه ۲۱ سفر کردیم. در این منطقه، دو ممله مرموم وجود دارد که یکی از آنها «چیتگر شمالی» است. با هر معیاری که سنویده شود، اینجا ممله ای فقیر است. از نظر کالبدی ممله عقب ننگه داشته شده و بافت آن ترکیبی از کاربری صنعتی و مسکونی است. تعداد طبقاتی که به آنها مجوز داده میشود، زیاد نیست. پفش عمده ای منازل مسکونی تبدیل به کارگاه شده است. زمین های بی دفاع شهری زیادی در آن وجود دارد. زیرسافت های لازم شهری و خدماتی در آن وجود ندارد. آب و گاز این ممله مشکل دارد. فقر اقتصادی نیز در پفش هایی از آن عمیق و گسترده است. فائواده هایی در این ممله زندگی می کنند که مذاقل های یک زیست انسانی را ندارند. تصور و تملیل شورایاران این ممله این است که آنها ماشیه ای در ماشیه شهر تهران هستند. آنچه در زیر می آید مامصل نشست چندساعته با شورایاران صمیمی این ممله است که تقدیم می شود:





مشکلی که این محله با آن درگیر است، شرکت های اقماری است به خصوص شرکت ایران خودرو، شما اگر ساعت ۶ به این محله بیایید در قسمت جنوبی محله اصلا جای پارک برای خودرو نداریم، حتی در آن زمان که من مدیر بود گفتمم و رودی های محله مان را ببندیم به واسطه این موارد، فرمودند اگر پل راه بیفتد این مشکل حل می شود، افتتاح هم شد ولی هیچ اتفاقی نیفتاد!

در اینجا خانواده های بی بضاعت زیادی داریم که اکثر این خانواده ها مشکل درمان و مسکن دارند... شما اگر بروید خانه آن ها را نگاه کنید یک خانه ۸،۷ متری شاید هم کوچک تر باشد بدترین شرایط هر جایی که رفتم اعلام کردیم گفتند چیتگر... اما وقتی می آیند می بینند



پیگیرترین شورایاری شهر تهران



شده است. دبیر کنونی و قبلی نامه زدند و دارند پیگیری کردند. امیدوارم که دستگاه قضایی آن

جعفر غیاثوند عضو شورایاری محله «چیتگر شمالی» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح مشکلات محله پرداخت افزود: ما در این محله مدرسه راهنمایی و دبیرستان پسرانه نداریم! دانش آموزان باید به شهرهای اطراف، ۴ کیلومتر آن طرف تر، یا قلعه حسن خان یا طرشت که برای آن ها مشکل است، بروند. وی ادامه داد: مسئله دیگر نداشتن پارکینگ است. شرکت «ایران کاوه» برای پرسنل خود پارکینگ ندارد و کارکنان آن ماشین های خود را در سطح محله پارک می کنند. شما خودتان مشاهده کردید که در زمان تعطیلی کار روزانه، همه آن ها به سوی محله چیتگر سرازیر

را حل و اجرا کنند و به خواسته مردم توجه داشته باشند. این شورایاری سبب به دیگر مشکلات محله اشاره کرد و افزود: مشکل دیگر محله نداشتن عابر بانک است، اهالی باید فرسنگ ها بروند تا به عابر بانک برسند. مورد دیگر نداشتن تالار برای مراسم های مانند عروسی است که مردم مجبورند به قلعه حسن خان یا اندیشه بروند. همین طور فروشگاه های برای خرید مردم که مناسب باشد وجود ندارد.

تبدیل منازل مسکونی به کارگاه

وی در ادامه به تغییر کاربری منازل مسکونی در محله اشاره کرد و گفت: معضل دیگر محله، تبدیل خانه های مسکونی به صنعتی است که شما آن را مشاهده کردید. در طرح تفصیلی محله چیتگر شمالی مسکونی اعلام شده است، ولی متأسفانه روز به روز به موارد تبدیل مسکونی به صنعتی و کارگاهی افزوده می شود. شهرداری به این موارد توجهی ندارد و مانع آن ها نمی شود! با پیشبرد این روند به اهالی محله ضرر خواهند رساند.

پل ارتباطی بین چیتگر شمالی و آزادشهر

عضو شورایاری محله «چیتگر شمالی» در بخش دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به نبود داروخانه شبانه روزی در محله به دیگر مشکلات نیز اشاره کرد و افزود: مشکل دیگر ما، نداشتن پل ارتباطی بین چیتگر شمالی و آزادشهر است که باعث می شود مردم دور آن محله ها بچرخند تا به آنجا برسند، چون مساله قومیتی و فامیلی در این محله ها هست و برای رفت و آمد مشکل دارند، با توجه به اینکه این جاده تصادف های زیادی داشته و مشکلاتی را برای مردم به وجود آورده است. وی در انتها ضمن انتقاد از مسئولین شهرداری چنین گفت: جای تأسف است که شهردار منطقه با شورایاریان محله جلسه ای ندارد و فقط با دبیرها در ارتباط است! وی در گذشته این طور نبود، من شورایاری قدیمی هستم و دیدم که شهر دارها با شورایاری جلسه دارند، اما متأسفانه در حال حاضر هیچ جلسه ای وجود ندارد. همچنین وقتی اعضای شورای شهر به منطقه می آیند، ما شورایاری ها بی خبر هستیم و اطلاعی در این مورد نداریم! فقط به مشکلات اهالی و شهرک هایی مانند داریوش، اکباتان، آزادی و دانش سرکشی و رسیدگی می کنند! فقط به شهرک های که به چشمشان می آیند، می روند.

شود، نزدیک ترین مرکز درمانی که ما می توانیم مراجعه کنیم، به در فاصله ۱۰ کیلومتری قرار دارد. **هیچ گونه اقدامی صورت نگرفته است!** وی سپس در پاسخ به این سوال که کارنامه شهرداری را در خدمت رسانی به محله چگونه ارزیابی می کنید؟ چنین گفت: ما بارها و بارها در جلسات که شرکت کردیم، به آن ها تذکر دادیم و همه مشکلات را بیان کردیم، ولی متأسفانه هیچ گونه اقدامی صورت نگرفته است! یعنی کارهایی که شهرداری اینجا انجام می دهد، در حد آسفالت و گلنت انداختن در زمین بایر و خاکی است که به عنوان کارهای خودشان ثبت می کنند. ولی در مورد کارهای فرهنگی به هیچ وجه کاری صورت نگرفته است! ما با شهرداری کاری نداشتیم. مشکل ما همین بحث های زیربنایی است که بارها با شهرداری مطرح کردیم، آنها در پاسخ می گویند آن ها ادارات مستقلی هستند و ما نمی توانیم کاری انجام دهیم. حتی ما با خواستیم با جمع کردن مردم با تجمع چه قانونی، یا چه غیر قانونی مطالبات مان را پیگیری کنیم.

بحث، بحث های پایه ای محله است و تا زمانی که آن ها حل نشود، بحث های دیگری بی فایده است. اینکه فلان جا آسفالت نداریم یا فلان جا جدول کنده شده و یا فلان جا نهر موش دارد! ما فعلا به آن بحث ها نرسیده ایم! بحث های زیربنایی داریم، می گویم فعلا در محله ما آب سانی کنید، که شهرداری می گوید وظیفه ما نیست!

خطبی آر تی نداریم!

این شورایاری در ادامه به دیگر مشکلات محله اشاره کرد و افزود: من فکر می کنم منطقه ۲۱ تنها منطقه ای است که این معضل را دارا داریم می کنم تنها منطقه ای نیز باشد که یک متر خطبی آر تی در آن نداریم! در مناطق همجوار آن داریم و در هیچ کجای منطقه مسابای آر تی عبور نمی کند! اگر این همه هزینه ای که برای مترو می شود، بالاخره باید به صورت مساوی در مناطق مختلف تهران تقسیم شود. اگر هم به علت ساختار زیربنایی جایگزینی برای آن وجود ندارد، باید برای این موارد جایگزینی پیدا کنند!

مدارسی باسقف شبروانی

وی ادامه داد: بحث دیگری که خدمتتان باید عرض می کنم مدارس ما است. مدارس که ما داریم در یکی دو تا مقطع، البته با تراکم جمعیتی که در این چند سال اخیر ایجاد شده است، این مدارس جدیدی به هیچ وجه افتتاح نکرده ایم. قدیمی ترین مدرسه، مدرسه آقابیگی است که سال تاسیس آن ۱۳۷۳ است. مدارس قدیمی هم که سال تاسیسشان به سال ۶۲-۶۳ برمی گردد، مدارس باسقف شبروانی، در ضعیف ترین مناطق فکر نمی کنم مدارس باسقف شبروانی ببینید! مدارس ابتدایی نیستند، مدارس که به اذعان خود مسئولان مدارس ۹۰ درصد هزینه آن از سوی مردم پرداخت و اداره می شود.

مرکز درمانی نداریم

دبیر شورایاری محله «چیتگر شمالی» در بخش دیگری از سخنان خود به طرح دیگر معضلات محله پرداخت و گفت: ما اینجا مرکز درمانی نداریم. در اینجا ما باید پایه شهر قدس و یا به تهران سر مراجعه کنیم که در یک فاصله ده کیلومتری نزدیک ترین مرکز بهداشتی و درمانی است. اگر از ساعت ۸،۸ شب به بعد یک فرد دچار مشکلی



مهدی مظفری دبیر شورایاری محله «چیتگر شمالی» به عنوان نخستین سخنران این نشست به طرح دیدگاه های خود پرداخت. وی اینگونه آغاز کرد: شما فرمودید محله محروم، ما به طور دقیق از این مسئله رنج می بریم. در جلساتی هم که با آقایان داشتیم چند مرتبه در شهرداری و جاهای دیگر، این موارد را برای آن ها مطرح کردیم. اگر بحث عدالت شهری است، اگر چند تاسفره پهن است به جای اینکه بحث سفره آرای و جنس نمکدان و... مطرح باشد، باید ببیند تمام سفره ها را به طور یکسان از طعام پر کنند، بعد بقیه آن را برایش بودجه تعیین کنند و برای آن سفره آرای کنند. سفره هایی که در محله های محروم پهن است، سفره های است که قاعدتاً داخل آن نیست.

اداره برق هیچ گونه خدماتی نمی دهد

وی سپس به مشکلات زیربنایی محله اشاره کرد و افزود: بحث ما مشکلات زیربنایی است که عمده ترین آن بحث آبرسانی محله و همچنین مشکلی است که با برق منطقه داریم که متأسفانه هیچ گونه خدماتی را به این محله ارائه نمی دهند! محله ای که تا چند سال پیش ۳ تا ۴ هزار نفر جمعیت داشت. الان تقریباً به دو برابر رسیده است ولی شاه لوله های اصلی آب تقریباً همان لوله های قبلی است! بحث توسعه شبکه برق مشکل بعدی ما است که با وجود ساختمان های جدیدی که در این منطقه احداث می شود، اداره برق هیچ گونه خدماتی نمی دهد. مشکل بعدی مساله مراکز آموزش فرهنگی است. این سه تا

زیرساخت ها و خدمات محله ای با حداقل





می آیند می بینند، شهردار هم آمد، وی ادامه داد: شهردار را هم بردم، ولی متأسفانه هنگامی که حضور دارم، می گویند: بله حتما رسیدگی می کنیم، متأسفانه در عمل کاری نمی کنند. کل این شورا می آیند وسط، یعنی شورا آمدند و دیدند آقا چی شد! آقا ما را مسخره کرد دید این چه وضعیتی است! من خودم آن ها را می بینم خجالت می کشم و پنهان می شوم آقای بساری و فتحی در جریان هستند، من دیگر خودم از دوستان پنهان می کنم چون آن ها آمدند، وعده دادند ولی عملی نشده است!

در یک خانه ۸،۷ متری زندگی می کنند با یک بچه نوزاد تازه به دنیا آمده، حتی هزینه زایمان آن را هم نداشتند! از دوستان برای آن ها کمک جمع شد.

این مسئول خانه جهاد در ادامه گفت: ما یک درمانگاه شبانه روزی نداریم که بخواهد حتی یک آمبول بزند، کسی که بخواهد آمبول بزند باید به تهرانسر برود. این محله قدیمی ترین محله است ولی درمانگاه شبانه روزی ندارد. سه تا محله به هم چسبیده شده ولی هیچ گونه امکانات درمانی نداریم! اگر یک تردد بخواهیم داشته باشیم باید کل اتوبان چیتگر را دور بزینم تا بتوانیم برویم شهرک آزاد شهر که درمانگاه شبانه روزی آنجا هست! این خانواده ها در بدترین شرایط هستند، دروغ از یک میوه و یک لقمه نان! اگر رفتار هستند آن ها.



دریغ از یک میوه و یک لقمه نان!
جلال خلیلی عضو هیئت امنای محله «چیتگر شمالی» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح مشکلات محله پرداخت و افزود: چون من مسئولیت کوچکی در خصوص خانواده های بی بضاعت دارم، این مساله را مطرح می کنم. در اینجا خانواده های بی بضاعت زیادی داریم که اکثر این خانواده ها مشکل درمان و مسکن دارند. شما اگر بروید خانه آن ها را نگاه کنید یک خانه ۸،۷ متری شاید هم کوچک تر باشد! هر جایی که رفتیم اعلام کردیم گفتند چیتگر... گفتند چیتگر فلان است، اما وقتی

۸،۷ متری! زندگی در یک خانه



دروغ می گویند

وی سپس به مشکل کم آبی محله اشاره کرد و گفت: ما اکنون برای آب محله مشکل داریم. قسمت شمالی محله نسبت به قسمت جنوبی محله اصلاً آب ندارد! بگوییم کم فشار هست، نه ما اصلاً آب نداریم! از زمانی که بنده به یاد دارم در این سه دوره شورایاری، دوستان زحمت کشیدند، پیگیری کردند؛ ولی اتفاقی نیفتاده است. من خودم دو سال دبیر شورایاری بودم، این مسئله را پیگیری کردم و به این نتیجه رسیدیم که به این صورت مشکل ما حل نخواهد شد، با خواهش و تمنا! این می اندازد گردن شهرداری و شهرداری به آن محول می کند. می آیند فقط به ماسدروغ می گویند که مشکل آن حل شد و قرار است که لوله کمکی بدهند. قرار بود که یک لوله کمکی از «قوری چای» بدهند و مشکل آب محله حل شود، ولی این اتفاق نیفتاد، یعنی واقعا محله ما از نظر آبی مشکل دارد، بعضی وقت ها به این نتیجه می رسیدیم که مردم را ببریم آنجا و مردم خودشان حقتان را مطالبه کنند!

آب نداریم!

علی علی بیگی عضو شورایاری محله «چیتگر شمالی» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح مشکلات محله پرداخت و افزود: ما در این محله مشکلات بسیاری داریم. محله «چیتگر شمالی» از قدیمی ترین محله های غرب تهران است که ما با دوستان «وردآورد» همیشه این درگیری را داریم، آن ها می گویند «وردآورد» قدیمی است و ما می گوئیم «چیتگر قدیمی تر است». در گذشته شهرداری یک طرح ویژه و بسیار فوری داشت که در آن برای مناطق دور افتاده و ماشیه ای اقداماتی انجام می دادند. نمی دانم آن ها چه چیزی گذاشته بودند. یک طرح مانند طرح هادی، یک چنین طرحی بود، می آمدند یک سال در محله کار می کردند و آن محله را از آن حالت قدیمی و کهنگی و دور افتادگی درمی آوردند. این طرح شامل حال محله «وردآورد» شد و به همین علت آن محله از محله ما کمی بیشتر پیشرفت کرد و نسبت به محله چیتگر بهتر شد. ما در آنجا صحبت کردیم و قرار شد برای محله ما نیز این اتفاق بیفتد. طرح مهادی در آن انجام شد که این اتفاق نیفتاد و گفتند دیگر این طرح تمام شده است.

سرقت و دزدی زیادتر شده، حالا به آمار و ارقام ان کاری ندارم، نسبت به آن چیزی که از اهالی محله و خویشاوندان می گویند. جلسه هم آنجا گذاشتیم، ما حداقل چیزی که از این دوستان می خواهیم این است که یک مانوری در محله بدهند که متأسفانه بهانه های الکی می آورند که بنزین نداریم و...

شرکت های اقماری

وی در ادامه به مشکلات ناشی از استقرار برخی شرکت ها در این محله اشاره کرد و گفت: مشکل دیگری که این محله با آن درگیر است، شرکت های اقماری است به خصوص شرکت ایران خودرو، شما اگر ساعت ۶ به این محله بیایید در قسمت جنوبی محله اصلاً جای پارک برای خودرو نداریم، حتی در آن زمان که من مدیر بود گفتیم ورودی های محله مان را ببندیم به واسطه این موارد. فرمودند اگر پل راه بیفتد این مشکل حل می شود، افتتاح هم شد ولی هیچ اتفاقی نیفتاد!

پل عابر پیاده

جانشین هیات امنای محله «چیتگر شمالی» در فراز دیگری از سخنان خود به دیگر مشکلات محله اشاره کرد و افزود: یکی از مشکلات عدیده ای که دوستان هم فرمودند، بحث رفت و آمد به سمت آزاد شهر است. بارها و بارها به یاد دارم که مصوب شد که بیایند پول بگذارند. یک پل عابر پیاده داریم ۱۰۰ متر ۲۰۰ متر جلوتر، دقیقاً روبه روی بیمه ایران، پیشنهاد دادیم که پل را بکنند، بیایند بگذارند این طرف. اگر الان شما بروید و صبح نگاه کنید ۱۰۰ درصد مردم از زیر پل که محل عبور خودرو است، عبور می کنند، یک نفر از روی پل عبور نمی کند! این را اگر بیایند بزنند این طرف تر مشکل آن حل می شود، ده سال است که این اتوبان می خواهد تعریف شود. به خاطر این مسئله است که پل را نمی آورند.

نبود خط بی آر تی، نبود مرکز خرید، نبود فضای ورزشی برای بانوان از دیگر مشکلاتی بود که این شورایاری در بخش پایانی سخنان خود به آنها اشاره کرد و خواستار توجه مدیران شهرداری به این کمبودها شد.

زندان و ما پیگیری کردیم، ولی اتفاقی نیفتاده است، قرار شد که بیایند این ها را جمع کنند، ولی اتفاقی نیفتاده! بنابراین یکی از مشکلات محله ما این است که بین تجاری یا مسکونی بودن آن مانده اند. مشخص نیست محله مسکونی است، تجاری است یا کارگاهی!

سرقت و دزدی

این شورایاری سپس به مساله امنیت در محله اشاره کرد و افزود: بحث بعدی ما کلاتری ۱۵۴ چیتگر است. دوستان ما در شهرداری لطف کردند یک زمینی را به کلاتری این محله دادند که در آن مستقر شوند. خداروشکر که مستقر شدند؛ ولی هیچ سودی برای محله ما نداشتند، از زمانی که دوستان در آنجا مستقر شدند، نمی خواهم زحمت های این دوستان را نادیده بگیرم، چون خودم هم نظامی هستم، نمی خواهم بگویم زحمت نمی کشند، زحمت می کشند، ولی متأسفانه از زمانی که دوستان وارد این محله شده اند، سارق ها و کلاهبردارها اینجا احساس امنیت و آرامش می کنند! یعنی

نرسیده است. چون هزینه مالی در پشت این قضیه هست، به نتیجه نرسیده است. یکسری دارند استفاده و برخی دیگر دارند سوءاستفاده مالی می کنند. در گذشته یک مورد بود ولی الان الحمدلله رب العالمین زیاد شده است الان شده چهار تا پنج دکل مخابراتی.

معلق بین تجاری یا مسکونی

وی در بخش دیگری از سخنان خود به طرح تفصیلی محله اشاره کرد و افزود: قرار بود که محله «چیتگر شمالی» به عنوان محله مسکونی شناخته شود، ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد، اگر از جنوب محله که وارد شوید؛ تمام خانه ها به کارگاه تبدیل شده است. چند برابر اجاره ها از آن ها می گیرند و سودهای می کنند به واسطه کارگاه ها، خودشان رفتند جای دیگری زندگی می کنند و خانه هایشان را اجاره دادند، با نصف اجاره ای که دارند می گیرند زندگی می کنند، در مقابل سروصدا و گرد و خاک و خرابکاری های آن نصب اهالی محله می شود! در این موارد بارها مردم به ما نامه



دکل های مخابراتی

عضو سه دوره شورایاری محله «چیتگر شمالی» به وجود دکل های مخابراتی در محله اشاره کرد و افزود: یکسری دکل هایی را در محله ما زدند که عوارض جانبی دارد از لحاظ بیماری ها و موارد دیگر... دبیر شورایاری نامه زدند و پیگیری کردند این موارد هم به نتیجه

شهرداری فقط به دو، سه محله عنایت خاص دارد!



دفاع مقدس بزینم به فلان جان گفتیم، آن ها گفتند نمی خواهیم شما اگر می خواهید در اینجا بر گزار کنیم! واقعا این است.

نمی دانیم چرا به محله ما توجهی نمی شود! در حومه شهر البته حومه شهر که هیچی، در همین منطقه ۲۱ فقط دو تاسه محله است که شهرداری عنایت خاصی به آن ها دارد و در محله های دیگر این طور نیست! حالا اگر در جاهای دیگر نخواهند کار انجام دهند می گویند بلند شوید برویم چیتگر، برای مثال به فلان جا گفتیم که نمایشگاه

تأثیری بگذاریم که ماندگار باشد در سطح محله ان شاء الله بهتر است. مشکلات در این محله بسیار زیاد است. من خودم در این محله به دنیا آمده ام. در این ۳۴ سال، بهتر شده ولی تغییر چندان و محسوسی در زمینه فرهنگی صورت نگرفته است! خیلی از این دوستان قریب به اتفاق آن ها، مدرک لیسانس و فوق لیسانس دارند، ولی خب

جواد طاهری جانشین دبیر شورایاری محله «چیتگر شمالی» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح مشکلات محله پرداخت افزود: این دوستان فرمودند یک کاری انجام دهید که ماندگار شود، این موارد مربوط به آب، جارو و آسفالت را پیگیری کنیم خوب است که انجام شود. ولی خب بتوانیم یک



مقایسه وضع خانواده های بی بضاعت با حقوق ها و املاک نجومی قلب انسان را به درد می آورد!

هیچ پولی نمی گیریم؛ یعنی فی سبیل الله کار می کنیم، ولی توقع هم نداریم در اخبار مملکت بیابند بحث حقوق های نجومی را بگویند، بحث زمین های نجومی شورای شهر و شهرداری! اینچنین موارد واقعا قلب بنده را درد می آورد، وقتی در خصوص این موارد با بچه ها هم صحبت می کنیم، واقعا ناراحت می شویم! با توجه به این من با آقای جواد خلیلی می روم در این خانواده های بی بضاعت و این اتفاق ها را می بینیم، یا اخبار می گوید واقعا قلب ما به درد می آید!



نمی کنند! اعضا انجمن نخبه گان غرب تهران در خصوص ارزیابی خود از کارنامه مدیران شهری، شعری را اینگونه خواند: «چرا بعضی برای عشق دل هایشان نمی لرزد/ چرا بعضی نمی دانند که این دنیا به تار موی یک عاشق نمی لرزد! چرا بعضی تمام فکرشان ذکر است که در آن ذکر هم یاد خدا خالی ست! گویی میوه اخلاصشان کال است/ چرا شغل شریف رایج این عرصه را جاری ست/ چرا در این اقتصاد را کدا احساس این نامر دبا بازاران صداقت نیست، دلالی ست!» وی در پایان گفت: ما شورایاری ها

بسازد، مشکل بعدی وجود شرکت هایی است که الودگی های محیط زیست و صوتی آن ها مال ماست، ولی از بچه های مازا نظر کاری استفاده نمی کنند! وی در ادامه گفت: در مورد پایان کار مغازه ها، وقتی می آیند پول برای پایان کار می گیرند، مثل بازار و مثل مناطق دیگر، متری سه تومان و با مبلغ بالا حساب می کنند، منطقه محرومی حساب نمی کنند! می خواهند کاری انجام دهند منطقه محروم است ولی هنگامی که می خواهند پول بگیرند و عوارض دریافت کنند، منطقه محروم فکر

امیر یاری عضو شورایاری محله «چیتگر شمالی» به عنوان سخنران بعدی این نشست ضمن اشاره به این نکته که قدمت «چیتگر شمالی» به سال ۱۳۰۰ باز میگردد، به طرح مشکلات این محله قدیمی پرداخت و افزود: یکی از مشکلات ما، بحث تراکم این محله است. در محله ما با پیلوت، چهار طبقه مجوز می دهند، در صورتی که شهرک همسایه ما پنج طبقه است با پیلوت. به همین دلیل برای ساخت انگیزه ایجاد نخواهد کرد! برای فرد به صرفه نیست که دو طبقه دارد، دو طبقه دیگر



۵ درصد مردم تهران به سراهای محله مراجعه می کنند

این مقام مسئول در ادامه به مشکلات محله «چیتگر شمالی» اشاره کرد و افزود: همان طور که دوستان فرمودند منطقه ۲۱، دو تا محله محروم دارد به قول خود شهرداری، یکی «چیتگر شمالی» و دوم «وردآورد»، متأسفانه در همه زمینه ها چه نمایشگاه هفته دفاع مقدس و چه برنامه های عمرانی، چه برنامه های ورزشی و هر چیز دیگری، محله «وردآورد» با اینکه ما دور تر است، به آنجا توجه خاصی می شود، برای مثال می دانیم که شهردار بیشتر آنجا می رود تا بیابند اینجا! باز دیدهای میدانی شهرداری از اینجا نسبتاً کمتر است. وی افزود: یک مشکل دیگری که ما داریم، این است که با اینکه منطقه محروم هستیم، ولی شهرداری در برنامه های خاص از ما انتظارات خاص تر دارد، دوست دارد ما خیلی همکاری کنیم. یعنی از آن طرف به ما کمکی نمی کند، از این طرف برای مثال در برنامه های ۱۳ آبان یا روز دانشجو و یا ۲۲ بهمن و مراسم های دیگر خیلی جالب است که توقع دارند که ما پررنگ ظاهر شویم.



چیتگر را محله محروم حساب می کنند ولی در عمل هیچ کاری انجام نمی دهند!

ادامه داد: من از ابتدا عضو شورایاری هستم، برای آب نمای پارک ها قول دادند که بیابند آن ها را اعوض کنند، هنوز هم روی حرف خودشان نیستند و عملی نمی کنند! الان تمام چیز هر سال مصوب می کنند، الان تمام چیز ماشه تهرانسرا مراسم و هر چیز دیگر باشد در تهرانسرا است، ولی به محله های ما که در حاشیه هستیم اصلاً رسیدگی نمی کنند! دوستان هم گفتند در مانگه و مدرسه نداریم، هر سال می آیند وعده و وعیدی می دهند، ولی دروغ از اینکه کمکی شود!

پرداخت و افزود: چند سال است که محله ما را محله محروم حساب می کنند، نسبت به شهرک های دیگر، هر سال منطقه چیتگر را منطقه محروم حساب می کنند؛ ولی در عمل هیچ کاری برای محله ما انجام نمی دهند. فقط وعده و وعیدی می دهند، ولی وقتی به پای کار می رسند، اصلاً به آن چیزی که گفتند عمل نمی کنند. در حال حاضر نمونه آن پارک های این محله است! پارک ها قدیمی است و بیست سال است که کار کردند، باید کفپوش های آن عوض شود. وی



اعلانی عضو شورایاری محله «چیتگر شمالی» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح مشکلات محله



برج های ۳۰، ۴۰ طبقه منطقه ۲۲ جلوی باد را نمی گیرند اما ۵ طبقه در چیتگر جلوی باد را می گیرد!؟

در آمدی برای محله ما ندارند، در قانون داریم که در شهرهایی که معادن وجود دارد، یا در روستایی یک معدنی قرار می گیرد، ۲۰ تا ۳۰ درصد از درآمد آن را برای مردم آن محله هزینه کند. من این موارد را نمی دانم، ولی نسبت به شرکت های اقماری، سایپا و ایران دیزل و ایران خودرو که محله ما را احاطه کردند، من می توانم به جرأت بگویم اگر ۲۰۰۰ نفر جمعیت نیروی کار در این محله داشته باشیم، شاید ۲۰۰ نفر آن ها در شرکت های اقماری مشغول به کار هستند، بقیه آن ها در شرکت های دیگر در تهران و اطراف آن کار می کنند. در صورتی که حق مسلم محله ما هست. آن ها دارند استفاده می کنند و پارکینگ آن محله ما است، در همین خیابان جهاد ساعت ۴ بعدازظهر دیگر نمی توانید تردد کنید!

به محله رسیدگی کرده است، ولی خب آسفالت کوچه ها و زمین های خاکی! در دوره های گذشته ضعیف عمل کردند. شهردارهای قبلی که بودند، می آمدند و می رفتند، نسبت به دوره که ما دبیر بودیم کار انجام شده و در حال انجام است. معضل پارکینگ و ترافیک آن نصیب ما می شود!

بازرس شورایاری محله «چیتگر شمالی» در بخش دیگری از سخنان خود به وجود شرکت های اقماری در محله اشاره کرد و افزود: یک مسئله دیگر هم هست که گفتن آن شاید تکرار باشد، مسئله شرکت های اقماری هست، ایران خودرو که در دو طرف ماقرار دارد، پایه خودروسازی ایران است، ولی فقط معضل پارکینگ و ترافیک آن نصیب ما است، هیچ

بالا می رود و جلوی باد را می گیرد و تهران آلوده می شود. یک حرف مسخره ای زدند، در منطقه ۲۲، بالای اتوبان برج های ۳۰، ۴۰ طبقه ساختند. آن برج ها جلوی باد را نمی گیرند و ما اگر چهار طبقه، پنج طبقه شود جلوی باغ را می گیرد و باعث می شود که تهران آلوده شود. ما نسبت به مسائل شهرداری ضعیف واقع شده ایم. وی سپس ارزیابی خود از عملکرد مدیریت شهری را اینگونه بیان کرد: این شهردار جدید که آمده است، نمی گویم خیلی خوب بوده است ولی نسبت به دوره های قبل و شهردارهایی که در گذشته بودند کار ایشان خیلی بهتر بود ولی خب یکسری نواقص وجود دارد، ایشان نمی تواند در و مدت زمان کوتاه منطقه ای که محروم بوده را به منطقه با امکانات تبدیل کند.



یکسال و نیم، دو سال است که پیگیر بودیم، ولی متأسفانه از لحاظ آبرسانی کاری انجام نشد! وی ادامه داد: منطقه ۲۱ تهران باشید و در تهران زندگی کنید، خودشان هم بگویند منطقه محروم است، ولی آب ندارد، آب خوردن نداشته باشند، همین آبی که الان هست اگر بروید و آن را تصفیه کنید، ۸۰ درصد از ۱۰۰ درصد آن ناخالصی دارد!

ضعیف واقع شده ایم! دبیر سابق شورایاری محله «چیتگر شمالی» در ادامه به موضوع «میزان تراکم» محله اشاره کرد و افزود: در مناطق دیگر این طور نیست! فقط در محله ما این طور است. زمانی که دبیر بودم با شهرداری در این زمینه صحبت کردم، گفتند اگر تراکم بدهیم طبقات



یکی از مشکلات ما، بحث تراکم این محله است. در محله ما با پیلوت، چهار طبقه مجوز می دهند، در صورتی که شهرک همسایه ما پنج طبقه است با پیلوت. به همین دلیل برای ساخت انگیزه ایجاد نخواهد کرد! برای فرد به صرفه نیست که دو طبقه دارد، دو طبقه دیگر بسازد

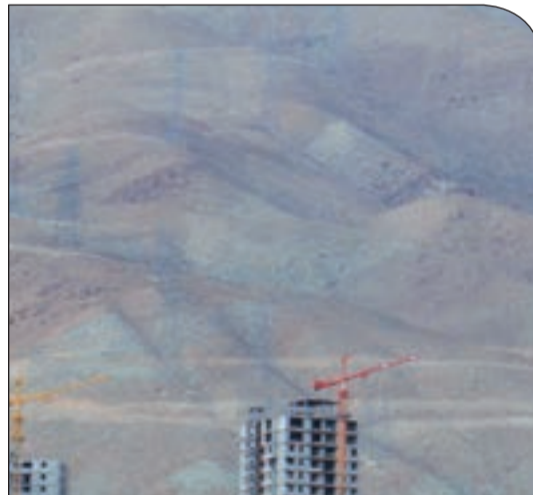


طلسم شکنی «وردآورد» با تدبیر مدیران

گنجینه تهران

در قفسی!

در مرز تهران و کرخ قرار گرفته است. مانند بسیاری از مملات تهران قدمت چند صد ساله دارد. از اوقاب و نتایج توسعه ناموزون و پرشتاب تهران بی نصیب نمانده است. یک بخش قدیمی مسکونی دارد که کالبد آن قدیمی، زنجور و ناپایدار است. این بخش، مداخل زیرساخت های خدماتی لازم را ندارد. بخش عمده مسامات این محله شامل باغاتی است که خشک شده و تبدیل به زمین های بسیار بزرگی شده اند که آماده تبدیل شدن به مجتمع های مسکونی مانند قسمت شمالی اتوبان تهران-کرخ می باشند. هنوز معدودی از باغ های این محله باقی مانده است. همین حالا نیز بخش های شمالی آن تماما به زیرساخت و ساز رفته است. قسمت شرقی و غربی آن کارخانجات و زمین هایی با کاربری های صنعتی است که با توجه به توسعه روز افزون تهران، مترصد تغییر کاربری اند. شورایاری این محله می گویند، همین حالا نیز اگر جمعیت در مجتمع ها و برج های بلند مرتبه واقع در منطقه ۲۲ مستقر شود، آثار و تبعات آن، این محله را در فود فرو خواهد برد. در حال حاضر که اقتصاد بخش مسکن در رکود است، تکاپوی زیادی در آنجا دیده نمی شود. اما پر واضح است که این زمین های بزرگ در هیچ جای تهران وجود ندارد. این زمین ها، گرچه در حال حاضر بر اساس طرح تفصیلی موجود دست نפורده باقی مانده، اما بسیار اغوا کننده می باشند. برقی بر این باورند که اینها می تواند در آینده مدیریت شهری را وسوسه کند که یک منطقه ۲۲ دیگری در آن باز تولید نماید. واقعیت این است که همین حالا کمبود آب در غرب تهران مسئله ای جدی است. سایر سرانه های خدماتی نیز در آن وضع مطلوبی ندارد. این محله قدیمی یعنی «وردآورد» در لیست مملات ممره تهران قرار گرفته است. به همین دلیل در جمع شورایاریانش حاضر شدیم تا نگاه و قضاوت آنها را منعکس کنیم. آنچه در زیر می آید مامصل این تلاش است که تقدیم می شود:



شورای شهری ها زمان انتخابات به اینجا می آیند!



نمای کلی شهر اصفهان در زمان طلوع آفتاب

یک بلواری داریم که سه باند است که وقتی به انتهای آن می رسیم تک باند می شود. حول و حوش ۱۰ تا ۱۲ متر عرض دارد. ما یک گازری اینجا داریم به نام گاز «پیوند». ما از شهر داری خواستیم که از خود انعطاف نشان دهد در قضیه «گاز» تا بتوانیم با کسبه صحبت کنیم و بیمانکاری بیاید برای ساخت مرکز تجاری، هم بلوار ما ادامه پیدا کند و تعریف شود و هم یک مرکز تجاری که در محله نداریم ایجاد شود تا شهروندان بتوانند از این شرایط استفاده کنند. ولی کماکان این اتفاق نیفتاده است!

محله «وردآورد» با ۷۲ شهیدی که تقدیم نظام جمهوری اسلامی کرده و اینجا خوابیده اند و با یک شهید مدافع حرم، هنوز یک در مانگانه ندارد! در مانگانه شبانه روزی که پدر و مادر آن شهید بخواهند آمبول خود را تزریق کنند، وجود ندارد. مشکلات محله ما خیلی بیشتر از آن چیزی است که در این نشست بخواهیم مطرح کنیم

محله «وردآورد» با ۷۲ شهیدی که تقدیم نظام جمهوری اسلامی کرده و اینجا خوابیده اند و با یک شهید مدافع حرم، هنوز یک در مانگانه ندارد! در مانگانه شبانه روزی که پدر و مادر آن شهید بخواهند آمبول خود را تزریق کنند، وجود ندارد. مشکلات محله ما خیلی بیشتر از آن چیزی است که در این نشست بخواهیم مطرح کنیم

سعید هاشمی عضو شورایاری محله «وردآورد» به عنوان اولین سخنران این نشست، در ابتدا به احساس خود نسبت به محله اشاره کرد و افزود: من خودم متولد محله «وردآورد» هستم، پدرم قریب به ۵۰ سال است در این محله زندگی می کند، می توان گفت از زمانی که محله وردآورد یک قلعه بوده است. تعداد کمی خانوار، شاید ۲۰ خانوار بیشتر نبوده، اینجا قریه «وردآورد» بوده و پدر بنده در این محله زندگی می کرده، شغل اکثر کسانی که اینجا زندگی می کردند، کشاورزی یا باغداری بوده است. می توان گفت نسبت به این محله خیلی حس تعلق دارم، یکی از عواملی که باعث شد من وارد حوزه شورایاری شوم، همین بود که محله خود را دوست دارم.

مقابله با هجوم روس ها

وی ادامه داد: اگر واقعا یک شورایاری، شورایار پیگیری باشد، قاعدتا می توانیم محله را هر روز آبادتر از روز قبل ببینیم. از نظر من محله «وردآورد» بهترین محله دنیا است؛ زیرا در آن احساس آرامش و امنیت دارم. مردم این محله را خیلی دوست دارم. مردمی هستند که متدین، دیندار و با خدا هستند. مردمی هستند دوست داشتنی و خاکی و خودمانی. محله ای که بیشترین شهید را در سطح محله داده است. با بیش از اگر اشتباه نکنم، ۷۸ شهید. در خاطرات آقای مسجد جامعی نوشته شده که محله «وردآورد» محله ای بوده که با روس ها جنگیده است. یعنی اینجا سنگر ساختند و اولین مردمی بودند که با هجوم روس ها مقابله کردند، در تصرف تهران، در همین جاسنجر ساختند، مردم اینجا با بیش از چهار صد سال قدمت نسبت به آب و خاک غیرت داشتند.

بافت ناپایدار و فرسوده

دبیر سابق شورایاری محله «وردآورد» سپس به طرح مشکلات محله پرداخت و افزود: مشکلاتی که در محله ما وجود دارد، بیشتر در حوزه شهرسازی است، الان مهم ترین مشکل ما این است که تنها محله ای هستیم که بافت ناپایدار دارد و با توجه به مصوبات شورای شهر و شورای عالی معماری و شهرسازی متاسفانه قریب به یکسال است که آن یک طبقه تشویقی که به بافت ناپایدار می دادند، برای اینکه مردم راغب شوند که خانه هایشان را نوسازی کنند یا جمع کنند، متاسفانه این مصوبه باعث شده است که آن یک طبقه کاسته شود.

وی ادامه داد: در قسمت قدیمی محله یعنی جایی که در گذشته قلعه بوده و خانه ها اکنون کوچک کوچک است، و خانه های آن هنوز سقف های چوبی دارند و قدیمی هستند، خدای نکرده اگر اتفاقی بیفتد حتی راهی برای ورود آمبولانس و آتش نشانی در این قسمت از محله نداریم. این مشکل به نظر من یکی از عمده ترین مشکلات محله است. مسئولان هنوز فکر می کنند که محله

«وردآورد» نزدیک تهران است و اگر یک موقعی اتفاقی افتاد سریع می روند تهران.

حس تعلق به محله

این شورایار جوان و فعال در ادامه چنین گفت: سال های زیادی است که در مانگانه ما کار آنچنان در حوزه درمانی انجام نمی دهد. در حوزه بهداشتی بیشتر انجام می دهد بهداشت کسبه و کارت بهداشت، یا اکسیناسیون مادر و کودک. در هر دوره شورایاری ما یک مدرسه به کمک نیکوکاران ساخته ایم. چهار تا مدرسه در این محله ساخته شده و در مانگانه ما نیز مهدی ای از طرف مردم و شورای اصناف به وزارت بهداشت بوده است، درست است که محله قدیمی و محرومی است. اما مردم نسبت به این محله حس تعلق دارند، کمک می کنند. ما مشکل درمانی داریم.

عملکرد مثبت شهرداری

وی در پاسخ به این سوال که از یابی شما از عملکرد شهرداری چه می باشد، چنین گفت: عملکرد شهرداری از زمانی که ما زیر مجموعه شهرداری منطقه ۲۱ شدیم، مثبت می بینم. نمی گویم ۱۰۰ درصد کارشان را انجام دادند، اما با توجه به محدودیت های بودجه ای که دارند، در این دوره عملکرد شهرداری از همه دوره ها بهتر بوده، دوره آقای باقرانی و دوستان ایشان.

این شورایار افزود: ما محرومیتان زیاد است. این محرومیت این نیست که بگویید مثلا در گذشته خوب کار کردند و الان محروم نیست، همین الان هم کار دارند نمی کنند، باز هم محروم هستیم. محرومیت آن محرومیتی نیست که با ۶ ماه یا یکسال کار برطرف شود، شهرداری کار خود را انجام می دهد. اما باید همه سازمان ها درگیر شوند، ما تنها عملکرد شهرداری را داریم می گویم. محرومیت آن فقط در زمینه شهرداری نیست، ما در تمام حوزه ها محروم هستیم. عملکرد شهرداری نسبت به زمانی که جز محدوده منطقه ۹ بودیم، بهتر شده است. من نمی خواهم از شهرداری دفاع کنم؛ ولی با توجه به کارهایی که شهرداری انجام داده است، من این عملکرد را ضعیف نمی دانم. اگر بخواهم نمره بدهم، بالای ۶۰ می دهم، بالای ۷۰ به آن نمره می دهم.

دردی از مردم دعوا کنند!

وی در ادامه به قضاوت خود نسبت به عملکرد شورای شهر اشاره کرد و گفت: چون خودم دبیر این محله بودم. مکاتبه های زیادی با شورای شهر تهران داشتم. متاسفانه اصلا به خودشان زحمت نمی دهند که به مکاتبات ما پاسخ دهند. پارسال اتوماسیون راه اندازی شد و ما می توانیم مکاتبات را به صورت اتوماسیون ارسال می کنیم برای ستاد هماهنگی شورایاری ها. متاسفانه دوستان در شورای شهر موقع انتخابات اینجا پیدایشان می شود، موقع رأی گیری اینجا می آیند، یواش یواش پیدایشان می شود، نشده است

یک مدرسه، من از ایشان سوال کردم این همه ساختمانی که در حال ساخته شدن است، آیا شما فکری به حال آموزش و پرورش آنجا کرده اید؟ این همه ساختمان، مدرسه آن ها چه می شود! بعد یک اتفاق بعدی که برای محله ما الان می افتد، آن ها هیچ چیزی الان ندارند! نه مدرسه دارند، نه مرکز خرید دارند و نه گاز دارند! یک اتفاق بدتر که افتاده این است که فاضلاب شهری هم ندارند! یعنی منابع آبی محله ما از طریق چاه تامین می شود. اصلا می دانید تمام منطقه ۲۱ و ۲۲، آب شرب آن، آب چاه است، یعنی ما از آب تصفیه شده استفاده نمی کنیم! قاعدتا وقتی فاضلاب آن ها داخل چاه برود، به طور ۱۰۰ درصد آب فاضلاب وارد چاه می شود، چون آن ها ما جدا هستند، یک فاجعه نیز اتفاق می افتد؛ چون آن ها آبی ندارند که ما بدهند، بارها اعلام کردند که خیالتان راحت! تصفیه خانه دارد احداث می شود، فکر می کنم که ۷،۶ سال است که منتظر تصفیه خانه شماره ۶ هستیم، ولی همش دارند نمی گویند قرار است افتتاح شود. من فکر می کنم با بودجه ای که دولت دارد، به این زودی این تصفیه خانه ها راه اندازی خواهند شد! ما نیز از آب تصفیه شده استفاده نخواهیم کرد.



سبیل دانش آموزان!

این شورایار در بخش پایانی سخنان خود به موضوعات شهرسازی محله اشاره کرد و گفت: در وردآورد بیشتر از ۴ طبقه نمی توان ساخت. انبوه سازی نداریم، مانند آنجا (منطقه ۲۲) که ۲۰ طبقه و برج باشد! تا چند سال پیش که طرح تفصیلی انجام شد، اینجا «روستای ویژه» شناخته شد، حدود سه سال روستای ویژه بودیم. یعنی بیشتر از دو طبقه نمی توانستیم بسازیم. با پیگیری اهالی که ناراضی بودند، شاید خیلی از شورایاری ها موافق این مسئله بودند که روستای ویژه باشیم. مثل ده و تک و ده اوین، روستای ویژه شناخته شویم تا محله مان از نظر عمومی خیلی بزرگ نشود، ولی اهالی آمدند اعتراض کردند و پیگیری کردند و نامه نوشتیم. در نهایت از آن حالت روستای ویژه خارج شد. ما عمودسازی نداریم و خوشبختانه محله «وردآورد» دورتا دور آن محصور است، این طوری نیست که بتواند مانند جاهای دیگر به صورت طولی ادامه پیدا کند. ما از چهار طرف محصور هستیم. پس بزرگ شدن از نظر طولی دیگر امکان ندارد و فقط امکان بلند مرتبه سازی وجود دارد. فعلا در «وردآورد» از چهار یا پنج طبقه بیشتر نداریم. البته خوشبختانه ولی من مطمئن هستم که با توجه به منطقه ۲۲ که این همه ساختمان سازی در حال انجام است و هیچ گونه امکانات شهری ندارد، قاعدتا باید از امکانات ما استفاده کنند! یعنی یک تادوسال دیگر با موجهی از دانش آموز مواجه است که از آن طرف می آیند تا ثبت نام کنند. چون آنجا مدرسه ای وجود ندارد!

وی سپس اینگونه ادامه داد: شهرداری آمد یک سیاست را پیش رو گرفت، در زمان آقای قالیباف برای تعاونی مسکن تمام مناطق آنجا (منطقه ۲۲) زمین در نظر گرفت. مادر آنجا حق آبه داریم، همان قناتی که از کوه می آید حق آبه ما آنجاست. اهالی آنجا کشاورزی داشتند و مدتی هم قرار بوده که گورستانشان را به آنجا انتقال دهند، گورستانی که در همین جا قرار دارد، به آنجا انتقال دهند. متاسفانه خیلی از ساختمان های اینجا مربوط به سازمان های وابسته به شهرداری است. یعنی تعاونی مسکن مناطق، آتش نشانی و سازمان های وابسته به شهرداری، یک نهاد در پروژه شهید خرازی در حال ساختن ۸۴۰ واحد است. شهردار منطقه ۲۲ (آقای مولایی) در افتتاح



مهم ترین معضلات محله «ورد آورد»



روح الله عظیمی دبیر شورایاری محله «ورد آورد» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح مشکلات محله خود پرداخت. وی با بحث امنیت محله آغاز کرد و چنین گفت: گفت: متأسفانه در بحث امنیت کلانتری ۱۵۴ چیتگر متأسفانه عملکرد خوبی ندارد و پیگیری های شورایاری محله و شورایاری دوره اول که از سال ۸۰ شروع شده است و تاکنون که ۱۵ سال به طول انجامیده، به نتیجه نرسیده است با توجه به این ما اینجا زمین داریم، برای ساخت کلانتری متأسفانه خود کلانتری و ناجا تمایلی ندارد که به این سمت بیاید. اینجا یک جور گلوگاه است، ورودی شهر تهران است. یعنی هر کس بخواهد از غرب وارد شهر تهران و استان تهران شود، مجبور است از محله «ورد آورد» گذر کند. در بحث راهور هم متأسفانه هیچ فعالیت و حضوری ندارد.

انعطاف شهرداری

وی ادامه داد: یک بلواری داریم که سه بانده است که وقتی به انتهای آن می رسیدم تک بانده می شود، حول و حوش ۱۰ تا ۱۲ متر عرض دارد. ما یک گاراژی اینجا داریم به نام گاراژ «پیوند». ما از شهرداری خواستیم که از خود انعطاف نشان دهد در قضیه «گاراژ»، تا بتوانیم با کسبه صحبت کنیم و پیمانکاری بیاید برای ساخت مرکز تجاری، هم بلوار ما ادامه پیدا کند و تعریض شود و هم یک مرکز تجاری که در محله نداریم ایجاد شود تا شهروندان بتوانند از این شرایط استفاده کنند، ولی کماکان این اتفاق نیفتاده است. ما یک خیابان داریم به نام خیابان «نقلاب» که کوچک است و تنها خیابان اتصال شرق و غرب است که باید تعریض شود.

ولی این مورد هم اتفاق نیفتاد و مشکلات عمده این محله است.

معضل اتوبوس ها

این شورایاری جوان و فعال سپس به دیگر مشکلات محله اشاره کرد و افزود: در بحث آموزش و پرورش ما جزه منطقه ۹ هستیم، منطقه ۹ بخش بسیار وسیعی است و نمی تواند به منطقه ۲۱ برسد، متأسفانه هم منطقه ما و هم منطقه ۲۲ از داشتن آموزش و پرورش مجزا محروم هستند، ولی مشکلات زیاد دارند. در بحث ساخت فیزیکی مدارس مشکلی نداریم، دوستانمان در شورایاری بانیکو کاران در ارتباط هستند که اکثر مدارس توسط آن ها ساخته شد. ما در بحث تاکسیرانی و اتوبوسرانی مشکل داریم؛ چون هیچ کدام از این ها نداریم. ساعات های حرکت اتوبوس بسیار نامناسب و همین طور کیفیت آن، این باعث شده که تنه راه ارتباطی که بیرون از محله که به مترو است با مشکل مواجه شود. خودتان می دانید شما اگر یک دقیقه با تاخیر برسید، به اینکه منطقه کارگر نشین است و باید به موقع سر کار حاضر بشوند. برخی اوقات کارگر مجبور می شود که یک هزینه آژانس بدهد تا به سر کار خود برسد، واقعا برای ما یک مشکلاتی ایجاد کرده است. ما یک زمین چمنی داریم که حالا شهرداری زحمت کشیدند این زمین چمن را با توجه به اینکه زمین مال خود اهالی است، این زمین چمن را تجهیز کرده و در حال حاضر این زمین چمن بدون استفاده است! از روی اجبار است که از آن استفاده می کنند، دوستان و شهروندان می آیند و از آن ها استفاده می کنند، حتی باید تعویض شود و یکسری امکانات جانبی هم باید داشته باشد که این مشکل ما حل نشده است. بحث ثبت اسناد ما مربوط به کرج است، از همان ابتدا جزء شهر تهران بودیم؛ ولی برای کارهای ثبتی باید کرج یعنی به استان البرز برویم. بحث مالیات نیز همین است؛ ولی بحث ثبت اسناد برای ما خیلی مهم تر است.

سیر صعودی عملکرد شهرداری

دبیر شورایاری محله «ورد آورد»، سپس در خصوص عملکرد شهرداری نیز چنین گفت: اگر به عملکرد شهرداری نگاهی بیندازیم یک سیر صعودی داشته است، با توجه به

اینکه یک زمانی قائم مقام وقت شهرداری واقعا حرف زبانی زد، خاطر نشان کرد که هر چقدر در «ورد آورد» کار کنیم، کم کار کرده ایم. الان که طرح جهادی در محله ما اجرا می شود باز هم محله ما مشکل دارد، نه محله ما بلکه ناحیه ۳ و ناحیه ۲ منطقه ۲۱.

از نظر جهادی نسبت به سال های گذشته اتفاق های خوبی افتاده است، در بحث عمرانی، در بحث جدول و آسفالت کوچه ها، ما کوچه هایی داشتیم که اگر ۵ ماه پیش



می آمدید، خاکی بودند، ولی الان آسفالت شده و این جریانی است که در محله ما اتفاق افتاده است.

دولت هم هیچ کمکی نمی کند!

وی در ادامه گفت: مادر بحث در مانگه که مربوط به دولت می شود، هیچ کاری نمی توانیم انجام دهیم. اخیرا ورثه

است. منطقه ۲۱ است، اما خیلی راحت گفتند که نمی آیند! چون در این منطقه برای رای دغدغه ندارند، بسیار راحت گفت من نمی آیم چون از صندوق ها رای برایشان بیرون نمی آید. در صورتی که وظیفه ایشان هست که بیایند و منطقه ۲۱ بر نظر ایشان است!

کمتر خانواده ای درگیر اعتیاد نیست!

طرح تفصیلی آن را انجام داد و به یک خانه راه داده است. الان که باید به آن خانه راه بدهد، مردم نمی گذارند. تا حالا یکی تا دو بار آمدند با نیروهای کلانتری؛ ولی در حال حاضر حدود یکسال و نیم تا دو سال است که در دست در دست کردند برای مردم دو تا محله، حتی هم خود سازنده ها. این عضو هیئت امنای شورایاری محله «ورد آورد» در زمینه آسیب های اجتماعی محله نیز چنین گفت: آسیب های اجتماعی در محله ها خیلی زیاد است. بحث اعتیاد آن که واقعا بسیار زیاد است. من خودم مسئول حسینییه هستم. وقتی با دوستان می نشینیم صحبت می کنیم. الان کمتر خانواده ای با آن درگیر نیست! حالا چه از لحاظ دوستان آن ها باشد، چه از لحاظ بچه های آن ها باشد، الان، متأسفانه با بچه ها صحبت می کنیم زیاد شده اند! حتی در محله «ورد آورد» که یک محله قدیمی است، یک محله بومی که کسی فکر آن را هم نمی کرد که به این دوران برسد! وی در پاسخ به این سوال که ارزیابی شما از عملکرد شهرداری چیست، چنین گفت: شهرداری، واقعا در این دوره به خوبی کار می کند، ولی خب مشکلات هم خیلی بوده است! نمی شود همه مشکلات را! ولی در این دوره واقعا خوب کار می کنند. به خصوص شهردار ناحیه. در این دوره به خوبی کار می کنند. یعنی تا آن جایی که می توانند دارند یک کاری می کنند تا مردم راضی باشند.



هادی چلیپا عضو هیئت امنای شورایاری محله «ورد آورد» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح مشکلات محله خود پرداخت و گفت: در هر محله ای هم آسیب های اجتماعی و هم مشکلات شهرسازی وجود دارد، مشکلاتی که ما در محله خودمان داریم، بیشتر آسیب های اجتماعی و مشکلات شهرسازی است، مشکلات شهرسازی هر کسی با آن درگیر می شود، مادر کوچه خودمان مشکلاتی داریم که حدود دو سال است که هر جا نامه می دهیم، هیچ نتیجه ای نگرفتیم؛ چه به شورای شهر و چه به خود شهرداری!

وی ادامه داد: یک کوچه ای داریم که بن بست ۱۲ متری است، این بن بست اصلا ۱۲ متری نبوده است، در سال ۵۸ و ۵۹ اعضای کوچه آمدند نفری چهار متر و نیم عقب نشینی کردند، حتی خود شهرداری هم نمی داند. خود شهردار هم حتی نمی داند در سند اهالی هست. آمده است یک طرح تفصیلی ثبت کرده، آمده گفته این کوچه ۱۲ متری است،

عملکرد شهرداری را خیلی خوب می بینم

در آن برگزار می شود، کارهای فرهنگی محله پرداخت و گفت: شما فکر کنید، محله «ورد آورد» با ۲۲ شهیدی که تقدیم نظام جمهوری اسلامی کرده و اینجا خوابیده اند و با یک شهید مدافع حرم، هنوز یک در مانگه ندارد! در مانگه شبانه روزی که پدر و مادر آن شهید بخواهند آمپول خود را تزریق کنند، وجود ندارد. مشکلات محله ما خیلی بیشتر از آن چیزی است که در این نشست بخواهیم مطرح کنیم.

در مانگاهی که محله ما داشته باشد، شبی، نصف شبی یک پیرزن یا پیر مردی بخواهد به آن دسترسی پیدا کند، وجود ندارد. مشک بعدی ما برمی گردد به آب محله. من فکر نمی کنم، آب محله ما مناسب باشد تا ساکنان محله بتوانند از آن به خوبی استفاده کنند! وقتی ما داریم آبونمان و قبض غرب تهران را پرداخت می کنیم.

ضعف در مباحث فرهنگی

وی سپس به موضوعات فرهنگی محله اشاره کرد و افزود: در بخش فرهنگی، من فکر می کنم سرای محدود ۵، ۶ ماهه که به این صورت راه افتاده است. در بحث فرهنگی محله واقعا ضعیف است. یک ارگانی مانند بسیج است که خود ما هم در آن فعال هستیم و کمی هم آن ها تبلیغ می کند. از زمانی که بحث سراما مطرح شده، هم کمی بهتر شده، کلاس هایی



سید حسین هاشمی نسب عضو شورایاری محله «ورد آورد» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت و گفت: مسائلی که خودمان بیاییم عضو شورایاری شویم، همیشه فکر می کردیم، بچه های شورایاری کاری انجام نمی دهند، ولی وقتی آمدیم در گود دیدیم، اصلا سوازی آن چیزهایی بوده است که ما بیرون می دیدیم.

وی سپس اینگونه ادامه داد: مشکلات محله ما بیشتر برمی گردد به اینکه شورایاری ها مختص به شهرداری می باشند. ما هیچ سازمانی نمی پذیرد در حال حاضر، در صورتی که جناب آقای طلایی در نشست که ما خدمت ایشان بودیم، گفتند که اصلا این نیست که فقط به فکر پیگیری کارهای عمرانی از طریق شهرداری باشیم! شما باید بتوانید در وزارتخانه ها صحبت کنید و حرف شما خریدار داشته باشد.



تعریف بلوار اصلی «ورد آورد» ۳۰ سال در محاق

بیا بییم جلو، شهرداری یک ارگانی شده است که خدمات آن فقط از بردن زباله و آسفالت فراتر رفته و آمده کارهای فرهنگی و اجتماعی انجام می دهد و به آنها ورود کرده است. بعضی از کارهای آن موازی کاری است که بارگان های دیگر انجام می دهند، فکر می کنم که مقداری از فعالیت های آن ها تبلیغاتی بوده است. آقای قالیباف شاید دنبال یکسری زیربنایی بوده است تا برسد به ریاست جمهوری. الان به یک جایی رسیده این گسترده بودن که با کمبود بودجه نمی توانند یکسری از مسائل را پاسخ دهند، یکسری از رشته ها از دست آن ها در رفته است! عملکرد آن ها از ابتدا که شروع کردند خوب بوده است، یکسری جاها واقعا جای تقدیر را دارد؛ ولی موازی کاری ها در بعضی جاها باعث شده است که یکسری رشته ها از دست آن ها در برود و الان هم با کمبود بودجه روبرو شدند و خیلی از کارهای آن مانده، نمی توانند آن خدمات دهی قبلی را داشته باشند.



سونوگرافی، رادیولوژی این طور امکانات هم که هیچ ساعتی نیست که بخواهند خدمات بدهند تا کسی استفاده کند.



و نقل درون شهری دورترین نقطه را بروید و خیلی هم به صرفه است و سریع با قیمت مناسب، ولی رسیدن به آن ایستگاه یکی دیگر از دغدغه های مردم «ورد آورد» است. ممکن است که یک نفر از یک نقطه تهران سوار شود، حدود ۴۰ دقیقه برسد به ایستگاه «ورد آورد»، با عوض کردن چند تا ایستگاه مترو، بعد ۵ دقیقه باید طول بکشد. ۴۰ دقیقه طول می کشد که تا برسد.

خط بی آر تی از ابتدای میدان آزادی تا تانهای «ورد آورد»
 عضو شورایاری محله «ورد آورد» در ادامه به دیگر مشکلات محله نیز اشاره کرد و افزود: یک مشکل دیگر که اکثر مردم در جلسه های متعدد خواستند در حضور خود آقای قالیباف، یک خط بی آر تی از ابتدای میدان آزادی تا تانهای «ورد آورد» در محدود تهران است. برای این مورد هم متأسفانه اقدامی صورت نگرفته است. مشکل بعدی در مورد در مانگاه شبانه روزی است که متأسفانه اینجا در مانگاه و داروخانه ندارد. اگر اهالی در یک ساعتی از شب به مشکلی بر خورد کند، حداقل باید تا تهرانسر یا شهرک قدس بروند در مانگاه هایی هم که هستند خیلی از امکانات را ندارند.

ساسان احمدی عضو شورایاری محله «ورد آورد» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به طرح دیدگاه های خود پرداخت و گفت: اگر بخواهیم نگاه اجمالی به روند شکل گیری شورایاری کنیم در مجموع شکل گیری و پایه یزی آن بسیار خوب بوده است. دوره به دوره هم پیشرفت آن خوب بوده، به خوبی به یاد دارم، وقتی ما در دوره اول شورایاری بودیم و جز منطقه ۹ و منطقه ۲۱ هنوز جدا نشده بود شاید در کل دوره ما شهر داران دیدیم، در واقع شورایاری اصلا جایگاهی نداشت، ولی به مرور در دوره های دوم و سوم این جایگاه خیلی تقویت شد و خوب شد؛ ولی متأسفانه یواش یواش از آن اهداف اصلی خود دور شد، یعنی بصورتی شد که الان شورایاری به جای اینکه شورایاری باشد، شهرداری یاری شده است! ارتباط آن بیشتر با شهرداری است تا با نهاد های دیگر! یک تلاش های خیلی کوچکی هم در شورای شهر صورت گرفته است که بتوانند این ارتباط و لینک را با اداره های دیگر برقرار کنند، ولی متأسفانه قوی نبود و نتوانستند این کار را انجام دهند. وی ادامه داد: کل مشکلات یک محله به شهرداری خلاصه نمی شود، درست است که عمده آن را مردم ببینند؛ از در



جایگاه شورایاری در افکار عمومی
 وی در بخش دیگری از سخنان خود خواستار فرهنگ سازی در موضوع شورایاری ها شد و افزود: در رابطه با شورای شهر یک ایراد دیگر که به آن وارد است، متأسفانه نیامده است در رابطه با نقش شورایاری ها با مردم شفاف سازی یا آگاهی سازی کند، بسیاری از مردم فکر می کنند شورایاری یک اختیاری مانند شورای شهر دارد که می تواند یک مسئولی را عزل و نصب کند یا یک قانون خیلی سنگینی را وضع کند یا نقض کند. این موارد اگر در قالب یک مستندی به مردم ارائه شود، خیلی خوب است.

این شورایاری سبسپس ادامه داد: اگر نگوییم ۱۰۰ درصد، ولی درصد زیادی از کار شورایاریان، واقعا خالصانه و با عشق و علاقه است. ولی متأسفانه مردم خیلی از این موارد را متوجه نمی شوند، فکر می کنند این دوستان حقوقی می گیرند یا از لابی هایی استفاده می کنند، به نظر من می توانست با مستندات حدود اختیارات که شورایاری ها دارند بگویند. هیچ کس حاضر نمی شود یک هفته خود را بگذارد و دوبه دنبال مشکلات محله برود، ولی همه توقع دارند که یک کار خارق العاده ای انجام شود. اگر بتوانند این را یک طوری باز تاب دهند. من فکر می کنم دیدگاه مردم به شورایاری ها تغییر خواهد کرد.

سه اولویت حوزه سلامت در محله «ورد آورد»

نداشتیم، اولویت دوم ما آشنایی با سامانه ۱۳۷ بود. اولویت سوم ما نیز خانوار های سیگاری بوده است. اولویت نخست که خداروشکر مشکل آن حل شد، آشنایی با ۱۳۷ هم برنامه ای که داریم، این است با کارشناس های ۱۳۷ در ناحیه شهرداری تماس گرفته می شود، کلاس هایی که قرار است، آشنایی افراد باشند با ۱۳۷. این مورد را در مدارس و مساجد در حال اجرای آن هستیم. اولویت بعدی ما خانوار های سیگاری هست که آن را نیز از مساجد شروع کردیم.



وی ادامه داد: در طرح سنجنش مداخله حتما باید تعداد افراد ثابت باشد و یک تعداد خاصی باید باشند. موردی که ما ابتدا شروع کردیم در مورد خانوار های سیگاری،



منیژه برنسد مسئول خانه سلامت محله «ورد آورد» دیگر شرکت کننده حاضر در این نشست بود که به اولویت های حوزه سلامت در محله پرداخت و گفت: ما در بررسی هایی که انجام دادیم به پنج اولویت رسیدیم که قرار شد، سه اولویت را بررسی کنیم. اولویت نخست ما مهد کودک بود. ما در «ورد آورد» مهد کودک

سرای محله؛ بنگاه اقتصادی!

یک دوره خوب بود، الان بحث درآمدزایی شده است، همه کنار کشیدند، گفتیم سررای محله می آید کمک می کند که سررای محله هم برای خود درآمدزایی می کند و یک بنگاه اقتصادی درست شد و رفتند در بحث درآمدزایی! دیگر هم نمی شود آن را کاری کرد.



این شورایاری معلم در بخش پایانی سخنانی خود به بسته شدن یک کوچه در محله خود اشاره کرد و آن را مصداق قدرت نمایی خواند.



دوره ابتدایی پسرانه، ما بیشتر بن دانش آموز پسر را در ناحیه داریم، مدرس می فرستادیم و آموزش می دادیم به خانواده ها. در این یکی دو سال دیگر بریند، فکر کنم بحث پول که به میان آمد، بریند. مگر اینکه بیایند یک عکسی بگیرند و گزارش دهند که ما فرستادیم، باید کلی ریزنی کنیم. وی ادامه داد: آسیبی که ما داریم آسیب خانواده و بحث فضاهای مجازی است. بحث بلوغ جنسی است و به خصوص ششم ابتدایی که دارد به بچه ها آسیب می زند، حالا در مدرسه مان دوره های یک و دو را جدا کردیم. این مورد یکی از چالش های ما در آموزش و پرورش است. با اینکه ما خودمان هم بودجه نداریم، کسی هم به ما کمک نمی کند، خانه فرهنگ هم



در مورد خانوار های سیگاری،

در مورد خانوار های سیگاری،

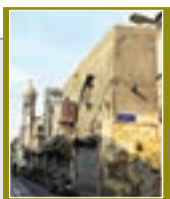
در مورد خانوار های سیگاری،

در مورد خانوار های سیگاری،

در مورد خانوار های سیگاری،

در مورد خانوار های سیگاری،

در مورد خانوار های سیگاری،



یکی از ضوابط دست و پا گیر در ارائه خدمات، لزوم تبدیل سند دفترچه ای به اسناد تک برگی قبل از دریافت تسهیلات است

ضوابط دست و پا گیر دولتی عامل کندی روندنوسازی بافت فرسوده

جانشین معاونت مالی و اقتصاد شهری سازمان نوسازی شهر تهران گفت: براساس مصوبه هیات وزیران مقرر شده است ۹ درصد سود تسهیلات ساخت مسکن در بافت فرسوده را دولت پرداخت کند. اسلام قراشی با بیان این مطلب افزود: تا ۱۵ آذر ماه تنها تعداد ۵۲۳۲ فقره وام برای دریافت تسهیلات به بانک مسکن معرفی شده اند. وی با اشاره به عدم اعطای یارانه سود بانکی به متقاضیان تصریح کرد: فرآیند رسیدگی به پرونده هادر حال حاضر بسیار طولانی و زمان بر است. اسلام قراشی خاطر نشان کرد: یکی دیگر از ضوابط دست و پا گیر در ارائه خدمات، لزوم تبدیل سند دفترچه ای به اسناد تک برگی قبل از دریافت تسهیلات است. این اقدام منجر به طولانی تر شدن زمان دسترسی به تسهیلات شده است. (تاخیر حداقل ۲ ماهه) معتقدیم اصلاح این روش می تواند منجر به تسهیل فرآیند پرداخت تسهیلات شود. وی با تاکید بر اینکه برخی از شعب نیز رویه های متفاوتی را از چارچوب های رسمی اتخاذ می کنند، ادامه داد: به عنوان مثال سود تسهیلات را در اولین مرحله پرداخت از متقاضی دریافت می کنند. یانسیب به عقد قرارداد یک ساله اقدام می کنند. جانشین معاونت مالی و اقتصاد شهری سازمان نوسازی شهر تهران با اشاره به عدم هوشمند بودن و حضوری بودن فرآیندها در دریافت تسهیلات افزود: در حال حاضر حضور و پیگیری مالکین جزء لاینفک فرآیند اخذ تسهیلات است. حضور در سرپرستی بانک، حضور در شعبه جهت افتتاح حساب، حضور در دفترخانه جهت تهرین سند، حضور در شعبه جهت عقد قرارداد و... که همگی جز افزایش دشواری های مالکین نتیجه ای نخواهد داشت.

وی ادامه داد: بانک مدعی است جهت انجام ارزیابی های خود نیاز به ارزیابی دیداری متقاضی دارد. این در حالی است که به نظر می رسد حضور مالک تنها یکبار آن هم جهت تهرین سند و افتتاح حساب می تواند صورت پذیرد و مابقی کارها می تواند توسط وکیل قانونی (وی دفاتر تسهیلگری) انجام شود. اتصال بانک به سیستم شهرسازی شهرداری تهران، دریافت گواهی های عدم خلاف و گزارش مهندس ناظر را برای بانک فراهم کرده و بانک را از استفاده از شرکت های ارزیابی بی نیاز می کند. این در حالی است که در بانک همچنان به استفاده از خدمات شرکت های موصوف و اخذ هزینه های ارزیابی از مردم در این خصوص تاکید می شود.

کنترل و دستگیری سرباندهای حرفه ای متکدیان

استاندار تهران گفت: با دستگیری متکدیان حرفه ای، شاهد کاهش حضور آنها در پایتخت خواهیم بود. سیدحسین هاشمی با اشاره به اینکه گزارش های ارائه شده از سوی دستگاه های اجرایی استان در مدیریت آسیب های اجتماعی، روند خوبی را دنبال می کند، اظهار کرد: به برخی دستگاه ها که در این بخش عملکرد ضعیفی داشتند تذکراتی داده و مقرر شد دستگاه ها در کمیته های کاری مرتبط فعالانه حضور داشته باشند. وی با تاکید بر اینکه کنترل آسیب های اجتماعی، دغدغه مسئولان نظام است، تصریح کرد: برای سسم زدایی و درمان معتادان متجاهر، ظرفیت ۱۱ هزار نفری ایجاد شده در حالی که ابتدای دولت یازدهم فقط برای نگهداری ۴۰۰ نفر ظرفیت وجود داشت. هاشمی، حدود ۵۰ درصد از معتادان متجاهر موجود در تهران را متعلق به سایر استان ها عنوان کرد و گفت: قرار است ریاست کل دادگستری استان تهران برای بازگرداندن آنها به استان های خود اقدام کند.

استاندار تهران با اشاره به گزارش ارائه شده از سوی اداره کل زندان های استان تهران و شهرداری پایتخت افزود: در نشست امروز، گزارش های خوبی از وضعیت امور زندان ها و اقدامات تأمینی استان و سامان سراها و مددسراهای زیر پوشش شهرداری پایتخت ارائه شد. به گفته هاشمی، تاکنون پنج هزار متکدی از سطح شهر تهران جمع آوری شده اند و باید چهره پایتخت از حضور متکدیان پاک شود. استاندار تهران کنترل و دستگیری سرباندهای حرفه ای متکدیان را از جمله اولویت های این حوزه بر شمرده و خاطر نشان کرد: با اقدامات جدی و پشتیبانی دادستانی تهران و دستگیری متکدیان حرفه ای، شاهد کاهش حضور آنها در پایتخت خواهیم بود.

حل معضل آلودگی هوا ساده تر از آن است که فکر می کنید



در آید. این قطارها از ساعات اولیه صبح تا ساعت ۱۱ شب دائم در حرکت باشند و از ساعت ۱۱ شب تا ۵ صبح سرفاصله ای آن ها بیشتر شود.

تا زمان عدم تکمیل خطوط حومه ای ریلی، مسیرهای ویژه BRT، شهرهای آقماری را به کلانشهرها وصل کنند. حتی در مسیرهای پر تردد مثل کرج-تهران، علاوه بر خطوط ریلی حومه ای در هر سه مسیر ممکن در این نمونه بخصوص؛ آزادراه، جاده مخصوص و جاده قدیم می باشد، خطوط BRT عادی و سریع با سرفاصله مناسب، به خدمات دهی به مردم بپردازند و در سمت کرج و تهران در چند نقطه به سیستم حمل و نقل همگانی درون شهری متصل باشد.

یکپارچگی کامل بین حمل و نقل درون و بیرون شهری و نیز بین مدهای مختلف حمل و نقل درون شهری یا یکدیگر ایجاد شود.

گرچه تاکسی و دوچرخه جزو حمل و نقل عمومی نمی باشد، اما وجود آن در جوار ایستگاه های مهم حمل و نقل عمومی، منجر به تشویق بیشتر مردم به استفاده از

حمل و نقل عمومی می شود. برای دوچرخه هم نیازی به احداث خانه ی دوچرخه و خرید دوچرخه توسط دولت و شهرداری ها نیست، بلکه شهرداری ها باید صرفا مکان های پارک دوچرخه در جوار ایستگاه های موزور را تأمین و امنیت آن را ایجاد کنند. مردم حاضرند از دوچرخه خودشان استفاده کنند و ایجاد سیستم دوچرخه اشتراکی و... در مراحل بعد می تواند مطرح گردد، نه در آغاز کار.

تدوین راهبردهای لازم برای توسعه شهرها مبتنی بر حمل و نقل عمومی (مانند نقشه راه TOD)

۳- سلسله اقداماتی در جهت کاهش مطلوبیت استفاده از خودروهای شخصی باید صورت پذیرد؛ چرا که به طور مستمر خودرو سازها به عرضه خودروهای مدرن تر، راحت تر، ایمن تر و شیک تر می پردازند و با این کار، جذابیت خودروی شخصی را بالا می برند. باید در نظر داشت که در همه ی کشورها، همواره مسابقه جدی بین حمل و نقل همگانی و خودروی شخصی در جریان است.

بهرتر است شاخصی به نام مطلوبیت را به صورت "زمان سفر کمتر + هزینه کمتر سفر + راحتی سفر + قابلیت اطمینان (از نظر زمان بندی و نظم و عدم خرابی و...) + سهولت دسترسی به نقاط مختلف + پاکیزگی و بهداشت" تعریف کنیم. شهروندان وسیله ای را برای سفر انتخاب می کنند که طبق شاخص فوق، مطلوبیت بالاتری برای آنان ایجاد کند. اگر در کشوری ملاحظه می شود که سهم

ادامه از صفحه ۲

دلیل برای اثبات این ادعا می خواهید؟! چقدر خیلی واضح تر و مبرهن تر از گسترش روزافزون ترافیک کلانشهرها، هر سال بیشتر از سال های ماقبل است و همچنین آلودگی هوا که همچنان قربانی می گیرد و منجر به تعطیلی مدارس، آسیب های جبران ناپذیر می شود. سوال دیگر این است که چگونه حمل و نقل عمومی بیرون شهری بر روی آلودگی هوای کلانشهرها تأثیر می گذارد؟! پاسخ این سوال را می توان در این که هر روز ده ها هزار خودرو از حومه ها به درون شهرها می آیند (و علی الخصوص برای تهران رقم به صدها هزار خودرو می رسد)، هم مسیرهای حومه ای را پر ترافیک و ناایمن می کنند و هم بر معضلات شهری می افزایند، جستجو کرد. خودروهای ورودی به کلانشهرها هرگز در نقطه ورودی شهر متوقف نشده و وارد شهرها می شوند و بر ترافیک می افزایند که البته دیگر کشورها با توسعه ی جهشی و گسترده ی قطارهای حومه ای این مشکل را حل کرده اند. برای حل مشکل آلودگی هوا با شعار «حل مشکل آلودگی هوا ساده تر از آن است که فکر می کنید»، راهکارهای هفت گانه زیر پیشنهاد می گردد:

۱- هرگز مردم را تشویق به استفاده از حمل و نقل همگانی نکنید، بلکه باید مطلوبیت حمل و نقل همگانی را به حدی افزایش و مطلوبیت استفاده از خودروی شخصی را به حدی کاهش دهیم که خود مردم در بررسی نفع خود (نفع اجتماع) به انتخاب حمل و نقل عمومی برای سفرهای درون و بیرون شهری بپردازند.

۲- اولین و مهم ترین راهکار حل مشکل آلودگی هوای کلانشهرها، اشاعه ی حمل و نقل همگانی (شامل ریلی، اتوبوس و مینی بوس) در سطحی است که حتی در درصد بالایی از صاحبان خودروهای شخصی نیز ترجیح دهند از حمل و نقل همگانی استفاده کنند. برای دستیابی به این هدف باید موارد زیر تأمین گردد:

شبکه گسترده حمل و نقل همگانی محدوده وسیعی از شهر را پوشش دهد و افراد به راحتی بتوانند از نقطه ای به نقطه ای دیگر سفر کنند. هر فردی یا حداکثر ۳۵ متر پیاده روی بتواند به ایستگاه های حمل و نقل همگانی برسد و بتواند از آن ایستگاه برای حرکت به چند جهت حرکت داشته باشد (صرفاً دستیابی به ایستگاه هایی که مثلاً اتوبوس در یک جهت را می توان انتخاب کند، کافی نیست).

شهرهای آقماری با خطوط متعدد ریلی به کلانشهرها متصل باشند و قطارهای حومه ای مطلوب و با کیفیت بالا بر بیست دقیقه یکبار در هر یک از این خطوط به حرکت

استفاده از حمل و نقل همگانی بالاست؛ نه به این علت است که مردم می خواهند آلودگی و یا ترافیک ایجاد نشود! بلکه قطعاً به این علت است که شاخص مطلوبیت حمل و نقل عمومی در آن جا بالاتر از خودروی شخصی است، اما در شهرهای کشور ما، سیاست ساخت و ساز معیار و افزایش ظرفیت معیار، مردم را تشویق به استفاده از خودروی شخصی کرده و مردم نیز به این سیاست گذاری ما پاسخ مثبت می دهند، یعنی از خودروی شخصی استفاده می کنند.

در بند ۲ سیاست های مطرح شد که حمل و نقل همگانی را تقویت کنند و حال در این بند، سیاست هایی مطرح می شود تا مطلوبیت استفاده از خودروی شخصی را کاهش دهد که به شرح ذیل است:

۱- اتخاذ تدابیر در جهت کاهش ساخت معیار شهری (تول، پل، زیرگذر، بزرگراه شهری و...) که همه در راستای تقویت خودرو و محوری می باشد.

۲- اتخاذ تدابیری در راستای قیمت گذاری سوخت، افزایش هزینه پارکینگ و تصاعدی شدن آن با توجه به زمان پارک، وضع عوارض برای برخی معیار شهری (هزینه کردن درآمد حاصل از تدابیر به عمل آمده، در جهت تقویت حمل و نقل همگانی).

۳- اصلاح نظام خودرویی حال که بر اساس سیاست های مندرج در بند ۲ و ۳، بخشی از مردم به سمت حمل و نقل همگانی سوق پیدا کردند، تأکید بر رعایت

تعدادی دوچرخه در سازمان های دولتی و خصوصی برای استفاده رایگان پرسنل در طول روز به منظور جابجایی آن ها به ایستگاه حمل و نقل عمومی و بالعکس.

۷- شاید تصور شود اجرای برنامه های فوق، بودجه های هنگفتی می خواهد که شهرداری ها به آن دسترسی ندارند. در حالی که هم اکنون این بودجه موجود بوده ولی در محل های اشتباه صرف می شود. کفایت محل هزینه کرد بودجه را همزمان با تغییر نگرش خود تغییر دهیم، و اما این دو منبع نادرست برای هزینه بودجه کدام است؟! انجام پروژه هایی در شهرداری ها که نه تنها مشکل ترافیک و آلودگی را هوا را کم نمی کند، بلکه باعث افزایش آن هم می شود. کفایت شهرداری ها چنین پروژه هایی را انجام ندهند؛ توسعه معیار جدید، تعریض، ساخت زیرگذر و روگذر (که همگی منجر به افزایش تقاضای سفر با خودروی شخصی می شود)، تعویض مستمر جداول معابر و رنگ کردن جداول (که در هیچ کشور پیشرفته ای جداول را رنگ نمی شود و هر ساله در کشور ما چندین میلیارد بابت این موضوع صرف می گردد)، ایجاد خانه های دوچرخه و خرید دوچرخه، احداث پروژه هایی که بخش خصوصی حاضر است آن را به روش BOT سرمایه گذاری نموده و انجام دهد (مانند ساخت پارک و ابنیه داخل آن)، احداث بزرگراه هایی که با سیستم اخذ عوارض می تواند کار کند که باید فقط با

پیشرفته ای جداول را رنگ نمی شود و هر ساله در کشور ما چندین میلیارد بابت این موضوع صرف می گردد)، ایجاد خانه های دوچرخه و خرید دوچرخه، احداث پروژه هایی که بخش خصوصی حاضر است آن را به روش BOT سرمایه گذاری نموده و انجام دهد (مانند ساخت پارک و ابنیه داخل آن)، احداث بزرگراه هایی که با سیستم اخذ عوارض می تواند کار کند که باید فقط با بودجه بخش خصوصی ساخته شده و بخش مهمی از آن به حمل و نقل عمومی اختصاص داده شود، هزینه هایی که صرف تعمیرات معابر می شود در حالی که با اجرای پکیج مدیریت و نگهداری و بهره برداری می توان در کلیه این هزینه ها صرفه جویی کرد...

محاسبه هزینه معالجه بیماران ناشی از آلودگی هوا و انتقال سوسپاندهای مربوطه به موضوع آلودگی هوا و هزینه معالجه بیماران ناشی از آن به پیش گیری، یعنی به اجرای پروژه های بند قبل که البته این رقم بسیار بالا قابل توجه است.

اجرای پروژه های TOD در ایستگاه های مهم با بودجه خصوصی و استفاده از بخشی از درآمدهای آن برای ساخت و نگهداری و تعمیرات ایستگاه ها و فضاهای مرتبط با حمل و نقل همگانی. با اجرای بند ۷ نه تنها بودجه کم خواهیم داشت بلکه همه پروژه ها را انجام داده و با بودجه مازاد مواجه خواهیم شد. بنابراین همانطور که ملاحظه کردید، مشخص شد که حل معضل آلودگی هوا ساده تر از آن است که فکر می کنید.

تقویت دولت الکترونیک تدابیری برای تشویق برای استفاده از حمل و نقل همگانی؛ مانند هزینه ای شدن پارکینگ ها در همه جا حتی در ادارات دولتی برای همه حتی مدیران و کارکنان (و یا پرداخت هزینه عدم استفاده از پارکینگ به کارکنانی که از خودروی شخصی استفاده نمی کنند)، اعطای بلیت های مدت دار و اعتباری حمل و نقل عمومی توسط نهادهای دولتی به پرسنل و تمدید آن ها، قراردادن



هیچگاه زنانه نمی شود

افزایش یافته است و این موضوع در مساله اعتیاد نیز خود را نشان می دهد. این کارشناس مسایل اعتیاد با بیان این که اعتیاد زنان امروزه تبدیل به یک مساله اجتماعی شده است، گفت: آمارهای اعتیاد زنان در جامعه امروزه بسیار افزایش یافته است بنابراین افراد اجتماعی و جامعه نسبت به این موضوع حساس شده اند. در ادامه این برنامه دکتر عیسی کاکویی - کارشناس مواد مخدر - با اشاره به سبک زندگی خانواده های امروزی اظهار کرد: تربیت صحیح فرزند توسط خانواده، باعث می شود تا تعامل و هماهنگی ویژه و خوبی در جامعه حاکم شود. مردهای خانه های امروزی باید خلا تربیتی فرزندان را در نبود زنان در خانه تأمین کنند.

این کارشناس مواد مخدر با اشاره به این که امروزه مرجع الگوگیری کودکان جامعه عوض شده است، گفت: در شرایط امروزی گروه مرجع جوانان و نوجوانان تغییرات بسیار جدی کرده است، به طوری که علاوه بر والدین، فرزندان مورد آسیب قرار گرفته است. کاکویی در پایان اظهار کرد: آمارهای چند سال پیش در حوزه اعتیاد، آسیبهای کمتری را نسبت به آمارهای امروزی نشان می داد.

یک جامعه شناس با تأکید بر این که اعتیاد هیچ گاه زنانه نمی شود، گفت: اعتیاد از ابتدا پدیده ای مردانه بوده است چرا که همواره مردها بیشتر به سمت مواد مخدر گرایش پیدا کرده اند و آن را مصرف می کنند. دکتر روانوری با بیان اینکه امروزه ۳۰ درصد از زنان جامعه شاغل هستند، گفت: امروزه درصد ریسک پذیری زنان جامعه افزایش یافته است و این موضوع در مساله اعتیاد نیز خود را نشان می دهد. موضوع زنان از جمله موضوعاتی است که به تازگی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است اما مطالعات انجام شده در این حوزه، مطالعات تخصصی برای زنان نیست. آسیب های زنان به ویژه اعتیاد باید به طور متمرکز و تخصصی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

وی که در برنامه ای رادیویی صحبت می کرد، با اشاره به این که اعتیاد یک رفتار پرخطر است، اظهار کرد: زنان در بیشتر مواقع انسان های محتاطی هستند؛ به طوری که در صدر ریسک پذیری آنان نسبت به مردان جامعه بسیار کم بوده است اما امروزه در صدر ریسک پذیری زنان جامعه



ایلنا
یکی از سیاست‌های هدفمند در ستاد مبارزه با مواد مخدر حمایت‌های مادی و معنوی از سمن‌ها است که در سطوح مختلف تعریف شده است

راه‌اندازی ۲م‌گرویزه‌زان معتادمتجاهر

قائم‌مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر از ایجاد ۲ مرکز ویژه زنان معتاد متجاهر در آینده نزدیک خبر داد.بسه گزارش خبرنگار ایلنا، علی‌مودی در حاشیه‌نخستین‌همایش ملی صیانت و گفتمان‌سازی اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر که در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد، گفت: بر اساس تجارب جهانی کشورهایی که از نهادهای اجتماعی بهره‌کافی برده‌اند در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی موفق بوده‌اند. مویدی با تأکید بر اینکه امروز زمینه‌فعال شدن نهادهای اجتماعی در امر مبارزه با مواد مخدر به ویژه پیشگیری از اعتیاد توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر طراحی و عملیاتی شده است، خاطر نشان کرد: در حال حاضر بیش از ۲ هزار و ۳۰۰ سازمان مردم‌نهاد در عرصه اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر، فعالیت دارند.

قائم‌مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر وجود همکاری، همکاری و تعامل برای نحوه‌اجرایی کردن برنامه‌های تدوین شده توسط سازمان‌های مردم‌نهاد میان حوزه‌های دولتی و سمن‌ها خاطر نشان کرد: با حضور مسئولان نظام در این همایش دیدگاه‌های جهانی که در حوزه اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر وجود دارد ارائه می‌شود. وی با بیان اینکه تجمع بیش از ۲ هزار سمن در فضای مبارزه با مواد مخدر رویکرد جدیدی است و با تمرکز بر این نهادها شاهد تحول و شرایط خوبی در جهت کاهش آسیب دیدگی ناشی از اعتیاد خواهیم بود.

مویدی تصریح کرد: یکی از سیاست‌های هدفمند در ستاد مبارزه با مواد مخدر حمایت‌های مادی و معنوی از سمن‌ها است که در سطوح مختلف تعریف شده است. قائم‌مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر اینکه ما در گذشته تجربه استفاده از ظرفیت نهادهای اجتماعی را نداشته‌ایم، لذا در این زمینه خلأهایی وجود دارد عنوان کرد: این همایش موجب می‌شود خلأهای موجود شناسایی و احصا شده و بتوانیم در جهت رفع آن گام‌های موثری برداریم. وی در خصوص آمار اعتیاد در کشور تأکید کرد: آمار جدید همچنان در حال بررسی است و در صورت تأیید از مجاری مربوطه اعلام خواهد شد. مویدی با اشاره به منویات مقام معظم رهبری در راستای کاهش آسیب اعتیاد بیان کرد: با توجه به جدیدی که در سال گذشته میان مسئولان نظام در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی ایجاد شد و نشست‌یی که در محضر مقام معظم رهبری در این رابطه برگزار شد و با توجه به رویکرد اجتماعی مبارزه با مواد مخدر، عزم ملی و حساسیت در سطوح مختلف و نهادهای مختلف اجتماعی ایجاد شده است.

مویدی خاطر نشان کرد: در حوزه اقدام و عمل بخش اعظمی از دستگاه‌ها توفیق خوبی داشتند که در حوزه پیشگیری می‌توان به وزات آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و وزارت رفاه و نیروی انتظامی اشاره کرد. وی درباره توفیق وزارت رفاه در امر کاهش آسیب اعتیاد و درمان گفت: این سازمان نسبت به گذشته توفیقات قابل توجهی داشته است هر چند شکالاتی در بحث صیانت بعداز در مان اعتیاد وجود دارد اما وضع موجود نسبت به گذشته بهتر است. قائم‌مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر همچنین از راه‌اندازی دو مرکز ویژه زنان معتاد متجاهر با ظرفیت ۴۰۰ نفر خبر داد و گفت: در حوزه مردان متجاهر در این هفته و هفته بعد شاهد جمع‌آوری قابل توجه این افراد خواهیم بود. وی در پایان اظهار کرد: بودجه سمن‌های فعال در کاهش اعتیاد قابل توجه است که در راستای اهداف تعیین شده تزیق خواهد شد.

وقتی کودکان کار سازه‌های ماکارونی می‌سازند

مسابقه SBC (سازه‌های ماکارونی) با حضور ۷۰ نفر از کودکان کار تحت پوشش مراکز پر تو(۵م‌گرویزه‌پرگزار شد.به گزارش خبرنگار مهر، در این مسابقه که میان کودکان کار و خیابان تحت پوشش مراکز پر تو شهرداری تهران برگزار شده از سازنده زیباترین و مستحکم‌ترین سازه‌های ماکارونی ساخته‌شده توسط این کودکان تقدیر شد. این مسابقه در روز شگاه شهید باکری واقع در منطقه ۱۹ شهرداری تهران، محله نعمت‌آباد(خلازیر) و با حضور پر شور کودکان پر گزار شد. کودکان شرکت‌کننده پس از ارائه توضیحات اولیه مهندسی توسط استاد ملک‌محمدو گروه‌بندی، شروع به ساختن سازه‌های خود کردند که از بین آنها به ترتیب منطقه ۹،۲ و ۱۰ موفق به کسب تبه‌بر تر شدند. در پایان مسابقه برگزیدگان با اهداء جوایزی تقدیر بعمل آمد و تیم‌هایی که مقام اول و دوم را کسب کردند در تاریخ ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه در ایوان شمس در دوره‌ی دوم مسابقات شرکت خواهند کرد.

«وردیچی» ها اولین افرادی بودند که از روستای ییلاقی و زیبای خود در آن سوی کوه‌های البرز به لب جاده تهران کرج مهاجرت کردند. هر چند قدمت این روستای زیبا که اکنون در بالای منطقه ۲۲ تهران قرار دارد؛ به ۳۰۰ سال می‌رسد؛ اما محله «وردآورد» که مردمانش همسایگی در کنار کارخانه‌های بزرگ و کوچک ابتدای جاده مخصوص کرج را انتخاب کردند؛ بیشتر از نیم قرن است که تشکیل شده است. اما «وردیچی»‌های قدیمی محله کنونی «وردآورد» را ابتدای ورود به روستا و باغات ییلاقی «وردآورد» می‌دانند که سال‌ها قبل به باغات گل سرخ و انار ش معروف بود. این روزها دیگر نه از گل‌های سرخ در محله «وردآورد» خبری است و نه از باغ‌های انار. هر چند اهالی محل معتقدند که ۳۰۰درصد از باغ‌های بزرگ، قدیمی و معروف این محله یا خشک شده‌اند و یا تغییر کاربری داده‌اند؛ اما آنها به خوبی می‌دانند که از زمانی که بستر رودخانه «وردآورد» بتنی شد؛ باغ‌های اینجا وضعیت خوبی نداشتند و در پس دیوارهای گلگلی و فرسوده بلند حتما درختان زیادی ایستاده‌مرده‌اند.

برای رسیدن به «وردآورد» که تنها بخش مسکونی آن ۵ کیلومتر وسعت دارد و کل این محله با احتساب کارخانه ها و حریم آن به روایت برخی از اهالی به ۲۱ کیلومتر هم می‌رسد؛ ۱۷ کیلومتر از تهران به سمت کرج دور شوید تا به آن برسید. تهرانی که این روزها غرق در ترافیک و آلودگی هوا شده است. برای رسیدن به این محله قدیمی و البته محروم باید از کنار کارخانجات و شرکت‌های بزرگ صنعتی و دارویی، چاپخانه روزنامه‌های همشهری، جام‌جم، جمهوری اسلامی و نشر کتب درسی بگذریم. در ست در بخش ورودی محله نقاشی دیواری از سه شهید خانواده اسداللهی ها واردات می‌کند به احترام آنها و خانواده ۸۲ شهید محله برای لحظه‌ای هم که شده توقف کنید. اهالی معتقدند که قدمت شهرک



به ۳۰۰ سال برمی‌گردد و گواه ادعایشان دیوار قدیمی کاروانسرا سنگی است که متأسفانه این روزها تخریب شده و تنها قسمت کوچی از آن دخل یک باغ باقیمانده است که به زودی صاحبش این دیوار تاریخی را برای تغییر کاربری زمینش خراب می‌کند تا از کاروانسنگی فقط یک نام در تاریخ باقی بماند.

قدیمی‌ها از پدرانشان شنیده بودند که بعداز مهاجرت از روستای «وردیج» به سمت محله کنونی «وردآورد» ؛ در قلعه‌ای ساکن شدند. بیرون قلعه تا چشم کاری کرد؛ زمین‌های کشاورزی بود و اهالی به کشت گندم و جو و شبدر مشغول بودند و در کنار زمین‌ها باغ‌شازده قرار داشت که پر بود از درخت‌های انار و بوته‌های گل سرخ. اما این روزها پس از ۳۰۰ سال اثری از قلعه نمانده و تنها دیوار باقیمانده از آن نیز چند سالی است که خراب شده است. می‌گویند باغ‌شازده در ابتدای ورودی محله قرار داشت که این روزها تبدیل به پمپ بنزین شده است. تنها مکان دیدنی و قدیمی «وردآورد» هم، همین دیوار کنار پل کاروانسرا سنگی بود که به مرور زمان خراب شد و از بین رفت. هر چند اهالی «وردآورد» به معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران پیشنهاد داده بودند تا تمهیدات لازم را برای نگهداشتن و مرمت کاروانسرا سنگی که محل درگیری قوای ایران و روسیه بود؛ و انجام دهند و حجره‌های باقیمانده در کاروانسرا به مانند شکل تاریخی خود باقی بماند؛ اما متأسفانه مالکان اقدام به فروش زمین‌هایشان کردند و به مرور حجره‌ها و دیوار کاروانسرا سنگی خراب شد و از بین رفت.

با توجه به اینکه در گذشته «وردآورد» پسر از باغ‌های کوچک و بزرگ بوده و مردم به سرسبزی شهرک عادت کرده‌اند و جو د چند بوستان کوچک انگار راضی‌شان نمی‌کند. در حال حاضر بوستان شهسای خیرنگار در انتهای خیابان امام حسین (ع) و بوستان گلزار و بوستان زیتون تنها فضای سبز شهرک هستند و باغی که اهالی در زمان پیروزی انقلاب تصاحب کرده و به شهرداری سپرده بودند هم پس از سال‌ها قرار است به پارک بزرگی شود که هنوز نامی ندارد.

محله مهاجرپذیر و افزایش آسیب‌های اجتماعی

هر چند ساکنان اولیه محله وردآورد را «وردیچی»‌ها و کنی‌ها تشکیل می‌دادند اما بعدها از شهرهای دیگر مانند یزد، اصفهان و اقوام گیلکی، لرو کرد نیز در این محله ساکن شدند: «هنوز محله «وردآورد» به محله کارگر نشین معروف است... خیلی‌ها آمدند در این محل ساکن شدند تا بتوانند در کارخانه‌هایی که در حاشیه تهران قرار داشت؛ کار کنند... اما در دولت گذشته بسیاری از این کارخانه‌ها ورشکسته شدند و الان تعداد کمی از اهالی محله در کارخانه‌های داروپخش و سایا پایدک مشغول به کار هستند...»
آنطور که اهالی محله می‌گویند آسیب‌های اجتماعی به مرور در محله با هجوم مهاجرانی که از شهرهای دور و نزدیک کشور برای کار به تهران آمده بودند و در این محله به خاطر نزدیکی به کارخانه‌هایی که می‌توانست بهترین شرایط را برای کار آنها فراهم کند؛ ساکن شدند: «هر چند تعداد کارتنخواب‌ها در محله کم است اما اعتیاد به عنوان یک آسیب کم‌کار در زیاد می‌شود اما طلاق بزرگ‌ترین آسیبی است که در محله وجود دارد...» «وردآورد» تا سال ۸۳ یک محله حاشیه نشین بود که در قلمرو منطقه ۹ قرار داشت اما در زمان شهردار سابق تهران این محله جزو محله ۲۱ تهران قرار گرفت: «... الان هنوز ثبت اسناد و اداره مالیات این محله در شهرستان البرز قرار دارد و این مساله مشکل زیادی را برای اهالی محله به وجود آورده است...»

وردآورد؛ تلفیقی از بافت فرسوده و آپارتمان‌های نوساز در حال حاضر اکثر بومی‌های «وردآورد» جزو اینجا سرمایه داران و متمولان محله هستند. برخی از اهالی وجود کارخانه‌های متعدد در کنار محله را جزو فرصت‌های محله خودشان می‌دانند: «... کارخانه‌های اینجا یک فرصت خوب است... مزاحمت و یا آلودگی برای محله ندارد و با وجود ورشکسته شدن کارخانه‌های

خالگی و باغات خشک شده «وردآورد»

مقصد بعدی انبوه‌سازان؛ زمین‌های

هفته نامه «پدیده شهر» از عواملی که محله «وردآورد» منطقه ۲۱ را تهدید می‌کند، گزارش می‌دهد:

ملن‌عبادی؛ این روزها ساکنان محله «وردآورد»؛ نگران زمین‌های خالی و باغ‌های خشک شده محله شان هستند... آنها می‌ترسند از روزی که مافیای بیساز و بی‌فروش‌ها و انبوه‌سازان سبایه سنگین خود را روی این محله نیندازند؛ هر چند زمین‌های خالی در این محله زیاد است و دیدارهای باغ‌جات معروفی که خشک شده‌اند؛ به یک فضای بی‌حفاظ شهری تبدیل شده است؛ اما از روزی که سنا روی بلندمرتبه‌ساز در این محله کلید نفوذ آن وقت است که محله «وردآورد» می‌شود یک منطقه ۱۳ دیگر که آسمان فرازش‌ها به مانند محله‌های بلندآندان مردم را در میان ساختمان‌های سرد و آلودگی هوا که دره‌درازا تهران و کرج به این سمت کشیده می‌شود؛ معیوس می‌کند. مردم «وردآورد» آنقدر که از انبوه‌سازان می‌ترسند؛ از آسایشگاه‌ها، پارک‌ها، خانه‌های بزرگ و درختانی ندارند. آنها هنوز تنها به خاطر هوای پاک محله شان به پایتخت نشینان فخر می‌فره‌شند که در روزهایی که نفس‌های تهران به شمال‌راه افتاده، آنها می‌گویند که شهر قدس با همه مشکلات و آسیب‌های اجتماعی‌ای که در آن در برده‌ها، غیربیشتر از «وردآورد» امکانات شهری دارد. کوئی‌مدیران شهری تهران آدرس محله‌ای با قدمت ۳۰۰ سال را در نامه کارخانه‌های کوچک و بزرگی که در حاشیه جاده مخصوص قرار دارد؛ تم‌کرده‌اند که به دفتر رفع مشکلات آن نیستند.

کوچک‌در این محدوده تنها دو کارخانه بزرگ چاپ‌ونشر و داروپخش در کنار محله قرار گرفته است... تعداد کمی از اهالی محل در این کارخانه‌ها مشغول به کار هستند...»

بافت محله تلفیقی از ملک‌های نوسازی شده و فرسوده است: «... مرکز محله هنوز بافت فرسوده دارد و قدیمی است... بافت یک‌نام در تاریخ باقی بماند.

محله قرار دار... اکنون در محله هم شخصی ویلایی و هم خانه‌های آپارتمانی زیاد هستند... البته در چند سال اخیر شهرک‌هایی نیز در این محله ساخته شده است... شهرک ارشاد، خلیلی، ویرنیا؛ جمله شهرک‌هایی است که در این محله قرار درد و قدیمی‌ترین شهرک ساخته شده در این محله مربوط به سازمان تاکسیرانی است که در سال ۷۵

در این محدوده ساخته شد... در واقع از این سال به بعد شهرک‌سازی در محله «وردآورد» بیشتر شده است...»
آب و هوای خوب محله «وردآورد» و زمین‌های خالی که برخی از آنها توسط صاحبانشان رها شده است؛ این روزها به یک تهدید برای محله تبدیل شده است: «... هوای این محله بسیار خوب و سالم است... هر فردی که از شورای شهر و یا شهرداری به این محله می‌آیند و یا حتی بازیگران سینما و تلویزیون که پیشان به این محدوده باز می‌شود؛ هوای سالم و باغ‌های اینجا را دوست دارند... برخی از هنرمندان باورش‌ان نمی‌شود باغ‌هایی به این بزرگی در ایسن محدوده وجود داشته باشد... از طرف دیگر باغ‌های خشک شده «وردآورد»؛ پای‌انبوه‌سازان را به محله برای تبدیل این زمین‌های بزرگ به مجتمع‌های مسکونی و آسما‌نخراش‌ها باز کرده است... از سال ۷۵ به این طرف حدود ۳۰۰درصد از باغ‌های بزرگ محله تغییر کاربری داده و ساخت‌وساز در آن انجام شده است... هنوز باغ‌های خرما لو در اینجا وجود دارد... البته سیاست شهرداری این است که نمی‌خواهد رشدی که قلعه حسن خان داشته اینجا آن را تجربه کند... به همین دلیل زمین‌های اینجا قیمت زیادی دارد... زمین‌های «وردآورد» نسبت به گرم‌ر و شهرف قدس از متری ۲/۵ میلیون تومان به بالاست...»
محله «وردآورد» بهترین فرصت را برای افراد که پولشان به خرید ملک در شهران و منطقه ۵



نمیرسد؛ فراهم می‌کند: «... اینگونه مهاجرت‌ها برای محله ما خوب است... افرادی می‌آیند که از نظر فرهنگی و مالی وضعیت خوبی دارند و تاثیر فرهنگی خوبی روی محله می‌گذارند؛ برخلاف شهر قدس که اکثر افرادی که وضعیت مالی بسیار پایینی دارند ساکن شدند و الان از نظر امنیتی مشکلات زیادی دارند... محسن گروسی نماینده شهر قدس در مجلس در سال‌های اخیر به دنبال این بود تا خط مرزی شهر قدس را تا زیر کوه البرز ادامه دهد اما هم شهرداری و هم مردم «وردآورد» در مقابل این خواسته نماینده مجلس مقاومت کردند... در حال حاضر شهرداری خط مرزی منطقه ۲۱ را تا کاروان سنگی گذاشته و مابقی جزو حریم تهران محسوب می‌شود...»

به رغم قدمت ۳۰ ساله محله «وردآورد»؛ اما اکثر جمعیت این محله را جوانان تشکیل می‌دهند: «... جمعیت اینجا جوان است. خانواده‌های قدیمی‌های محله به طور متوسط ۵ فرزند داشتند و الان خانواده‌های جوان اینجا نهایت یک یا دو تا بچه دارند... از نظر فرهنگی فرهنگ آپارتمان‌نشین در این محله پایین است... در بحث‌های عمرانی نیز در گذشته تعداد کوچه‌خاکی‌های وردآورد زیاد بود اما در سال‌های اخیر بیشتر این کوچه‌ها آسفالت شده‌اند...»

نبود مرکز درمانی؛ بزرگترین مشکل وردآوردی‌ها

اهالی محله «وردآورد» از نبود امکانات رفاهی و شهری گلایه دارند: «... از نظر بهداشتی و درمانی محله مشکلات زیادی دارد... در حال حاضر یک درمانگاه در محله نداریم... مطب دکتر خصوصی در اینجا وجود دارد اما از ساعت ۸ به بعد باید برای یک سرماخوردگی جزئی به شهر قدس بروند... از نظر بضاعت مالی اکثر مردم این محله از نظر درآمدی قشر متوسط‌روبه پایین هستند... از زمانی که شورایی‌ها تشکیل شد؛ پیگیر ایجاد درمانگاه

عمومی مترو است و حتی اتوبوس به میدان آزادی هم ندارد و اکثر با وسیله شخصی به تهران می‌روند...»

کاهش ترافیک با افتتاح تقاطع‌های غیر همسطح کاروانسنگی یک‌دو
شاید بتوان گفت که بیشتر رانندگانی که از میدان آزادی به سمت کرج یا گمدره و «وردآورد» مسافر جابه‌جایی کنند؛ کاروانسنگی را به خوبی می‌شناسند: «... همه جای ایران کاروان‌سنگی «وردآورد» را می‌شناسند... قرار هست که دو تقاطع غیر همسطح کاروان‌سنگی یک و دو بهمین ماه امسال افتتاح شود... این محله در انتهای بزرگراه شهید حکیم قرار دارد... طبق گفته شهردار منطقه قرار است تا تونبان کرج و جاده مخصوص هم به این تقاطع متصل است... محله «وردآورد» به ۵ بزرگراه و یک آزادراه ارتباط دارد و از نظر دسترسی راحت هستیم...»

آب شرب محله «وردآورد» از چاه است

یکی دیگر از مشکلات اهالی «وردآورد» وضعیت آب آشامیدنی آن است: «... آب این محل از چاه است و مشکل دارد... آب آشامیدنی محله بیشتر مزه کلر می‌دهد... چاه‌هایی که آب محل از آن تأمین می‌شود؛ جذبی است و امکان دارد آب فاضلاب نیز وارد آب آشامیدنی مردم شود... هنوز سیستم فاضلاب را در این محله ایجاد نشده است... اکثر مردم از تصفیه‌کننده‌های خانگی استفاده می‌کنند... البته محله یک چاه خوب و قدیمی هم دارد که آب آن با کیفیت است اما چون کفاف نمی‌دهد دو چاه دیگر نیز در کنار آن آب محله را تأمین می‌کنند... آب قنات قدیمی از رودخانه «وردآورد» سرچشمه می‌گیرد... یکی از مشکلات ما این است که بتن‌ریزی که در کف رودخانه وردآورد انجام دادند؛ آب‌های سطحی به داخل چاه نفوذ نمی‌کنند... خیلی از باغ‌های اینجا نیز خشک می‌شوند... پایین بودن فشار آب واقعاً به یک معضل برای ساکنان این محله تبدیل شده...»

نام‌های تکراری خیابان‌های غربی ترین محله تهران

«وردآورد» میدان ندارد. خیابان‌های اصلی این محله شامل خیابان‌های آزادی، گلزار، ملک و خیابان دارو پخش می‌شود اما اسامی خیابان‌ها و برخی از کوچه‌های «وردآورد» تکراری است و ممکن است تاز هوار ده‌ارها اشتباه بیندازد.

در «وردآورد» نام ۵ خیابان و کوچه «ولیعصر»، ۳ خیابان با نام «طالقانی» و ۳ خیابان به نام «توحید» نامگذاری شده است و با توجه به اینکه ۸۴ خانواده شهید در «وردآورد» زندگی می‌کنند فقط حدود ۲۷ خیابان یا کوچه به نام شهدا مزین شده است که اعضای شورایی‌اری با پیگیری‌هایی در شورای شهر منتظر پاسخ هستند که خیابان‌ها و کوچه‌ها با نام شهدای محله نامگذاری شود. بر اساس سرشماری سال ۹۰ حدود ۱۷ هزار نفر در «وردآورد» زندگی می‌کنند که میانگین سنی آنان بین ۲۵ تا ۴۰ سال است و بیش از یکصد نفر جمعیت شناور در این محله رفت و آمد می‌کنند: «... به علت قرار داشتن مرکز تعویض پلاک خودرو در خیابان دارو پخش و وجود کارگاه‌های صنعتی افراد زیادی در شهرک تردد می‌کنند و تنها وسیله حمل و نقل و ترددشان مترو است هر چند تا حدودی اتوبوس برای رفت وآمد به کرج و تهران هم فعال است اما اهالی از وضعیت اتوبوس‌ها و زمان خدمت‌رسانی آنها راضی نیستند و برنامه‌نگاری‌هایی که با تشکری هاشمی معاون حمل و نقل شهرداری تهران و شورای شهر انجام شد قول داده‌اند این مشکل رفع شود و اتوبوس‌های مجهزتری به ناوگان حمل و نقل شهر ک اضافه‌شود.»

تردد اهالی در منطقه‌ای که از چهار طرف به بزرگراه‌ها و خیابان‌های اصلی متصل است قصه تازه‌ای نیست. قصه راه و «وردآورد». داستان همان در کوزه شکسته آب خوردن کوزه گر است؛ چرا که به رغم موقعیت فیزیکی و جغرافیایی این شهرک حمل و نقل یکی از بزرگترین مشکلات این محله بین راهی است.



کرج منتهی می‌شود: «۸ سال است که پل شهید حکیم در حال ساخت است و اهالی از زمان پایان کار آن باخبر نیستند. از زمان شروع ساخت این پل تا امروز، انتهای کوچه‌مان خاکی است و علاوه بر مشکل زیبایی، مشکلات معیشتی برای اهالی ایجاد کرده است. برای مثال ساختمان‌های نیمه‌کاره مصالح اضافه‌شان را در این قسمت انباشته می‌کنند یا نخاله‌های ساختمانی‌شان را آنجا می‌ریزند و این مسئله موجب می‌شود که کامیون‌ها برای جمع‌آوری نخاله و تخلیه مصالحه مدام در کوچه رفت‌وآمد کنند... مشکل دیگر تجمع افراد است که احساس امنیت را از ساکنان می‌گیرند؛ چرا که انتهای کوچه ساختمان‌های مسکونی ساخته شده و این مسائل موجب نارضایتی ساکنان می‌شود... اگر مسئولان شهرداری حمایت کنند و این قسمت رافضای‌سبز یا آسفالت کنند، مشکلات این چینی حل می‌شود.»

نام‌های تکراری خیابان‌های غربی ترین محله تهران
«وردآورد» میدان ندارد. خیابان‌های اصلی این محله شامل خیابان‌های آزادی، گلزار، ملک و خیابان دارو پخش می‌شود اما اسامی خیابان‌ها و برخی از کوچه‌های «وردآورد» تکراری است و ممکن است تاز هوار ده‌ارها اشتباه بیندازد.

بیشتر شهرک‌های منطقه ۲۱ بسته هستند و در فضایی با درو دیوار و نگهبانی‌آاره می‌شوند ، تردد آنها منحصربه‌رفت و آمد اهالی است و بدون شک مشکلات کمتری دارند اما شهرکی مانند «وردآورد» که از هر طرف با بزرگراه‌ها در ارتباط است و دو پمپ‌بنزین اصلی و کارگاه‌های صنعتی در دنیاژمند توجه بیشتری است.

مشکل آب شرب و داشتن املاح و افت فشار آب در تابستان در کنار افت ولتاژ برق در چراغ‌های خیابان‌ها و داشتن چند کوچه‌خاکی که هنوز آسفالت نشده همچنین ترمیم نشدن آسفالت بلوار اصلی تا مسجد امام حسین (ع) مشکلات خیلی بزرگی نیستند که اهالی امیدوارنده‌به‌مرور زمان حل‌شود.

کمبودبانک‌در محله «وردآورد»
«وردآورد» نخستین محله‌ای است که سال‌ها با مشکل کمبودبانک‌دست‌به‌گریبان بوده است. «... «وردآورد» محله گسترده‌ای است و ۳ بانک و چند خودپرداز که در آن وجود دارد، پاسخگوی نیازهای مردم نیست. با وجود این، شرق محله نسبت به غرب آن وضعیت بهتری دارد و اهالی غرب‌نشین محله «وردآورد» مجبورند برای انجام کوچک‌ترین کارهای بانکی خود مثل پرداخت قبضه‌به بانک‌های شرق محله مراجعه کنند. مدت‌هاست با بانک شهر برای تأسیس شعبه‌ای در «وردآورد» مذاکره کرده‌ایم که تا به امروز هیچ نتیجه‌ای نداشته است. آنقدر از کمبود بانک در «وردآورد» رنج می‌بریم که حتی به باجه‌های کوچک یا خودپرداز بانک‌ها نیز راضی هستیم. کمبود خودپرداز در تهربار محله هم احساس می‌شود و اهالی هنگام خرید مجبورند پول نقد یا خود حمل‌کنند که این موضوع در دسرهای متعددی را ایجاد کرده است... غرب محله «وردآورد» هیچ خودپرداز و بانکی ندارد... ساکنان خیابان امام خمینی (ره) وضعیت سختی برای استفاده از خدمات بانکی دارند و امیدواریم این مشکلات با پاری مسئولان رفع شود...»



هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

شنبه ۴ دی ۱۳۹۵ ۵ سال سوم

شماره: ۲۰ ۱۶ صفحه ۶ قیمت: ۳۰۰ تومان

December 24, 2016 WWW.padidehshahr.com

ایرنا



تحقیقات صورت گرفته در این مورد نشان می‌دهد که فرزندان در طول زندگی خود با آسیب‌های روانی واجتماعی فراوانی مواجهند

برای حل بحران طلاق؛ فرزندان به یاری پدر و مادر می‌آیند

طلاق از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی به‌شمار می‌آید که نه تنها تعادل روانی دو انسان، بلکه تعادل روانی فرزندان، بستگان و دوستان را نیز به هم می‌ریزد در این میان یکی از قربانیان اصلی پیامدهای ناشی از طلاق والدین، فرزندان هستند. طلاق در سال‌های اخیر به افزایش تعداد فرزندان طلاق انجامیده است. فرزندان‌کی که مسائل ومشکلاتشان از دید بسیاری پنهان مانده است. جدایی والدین بی‌شک برای اکثر فرزندان، اتفاقی سخت وسهمگین به‌شمار می‌آید. تحقیقات صورت گرفته در این مورد نشان می‌دهد که فرزندان در طول زندگی خود با آسیب‌های روانی واجتماعی فراوانی مواجهند. وضعیت معشوش خانواده، ستیز و اختلاف بین پدر ومادر و رفتار خشونت‌آمیز والدین، از علل مهمی است که در گذشته تهران قرار داشت؛ کارکنند... اما در این کارخانه‌ها ورشکسته شدند و الان تعداد کمی از اهالی محله در کارخانه‌های داروپخش و سایر یک مشغول به کار هستند

ایرنا در گفت‌وگویی یادکتر اعظم موحدی، روانشناس و مدرس دانشگاه، به مسئله طلاق از منظر دیگری پرداخته و به سؤالاتی باین رویکرد که به‌منظور افزایش آگاهی فرزندان در جهت کاهش اختلافات والدین چه راهکارهایی وجود دارد؟ و فرزندان چگونه می‌توانند مانع طلاق والدین شوند؟ پاسخ داده است.

متن این پرسش و پاسخ به شرح زیر است:

س: برخی روانشناسان معتقدند فرزندان می‌توانند علت بروز پر خاشگسری در روابط والدین را درک وباعث کاهش فضای پر تنش در روابط آنان وباهعبارتی مانع طلاق والدین شوند. شما در این خصوص چه نظری دارید؟

-باور من هم بر این است که فرزندان می‌توانند بسا به کارگیری برخی مهارت‌ها سبب کاهش فضای پر تنش در روابط والدین شوند، این مهارت‌ها به این ترتیب است: فرزندان لزوماً شیوه نصیحت استفاده نکنند به ویژه زمانی که والدین از نظر ذهنی آشفته‌اند نصیحت‌نه‌تنها کارایی ندارد بلکه آنان را عصبی‌تر می‌کند و دیگر آن‌که در بسیاری از مشاجرات افراد «میل خود» را «حق خود» می‌دانند از این رونباید خیلی راحت در برابر آنان حق‌راه‌دیگری داده‌شود.

همچنین ضروری است از شیوه‌های کاهش اصطکاک استفاده شود از پدر در خواست‌شود برای خرید به بیرون از منزل رود یا از فردی که والدین با او مشکل ندارند دعوت شود تا فضای آرام‌به‌خانه‌باز گردد، در حقیقت هیچ فردی به‌اندازه فرزندان آگاه نیستند که چه‌زمان تنش‌ها شدیدیا یک‌می‌شود و لازم است فسرستی از این موقعیت‌ها تهیه‌وبرای کاهش تنش به کار گرفته‌شود. نکته مهم دیگر آن است که فرزندان هرگز به اختلافات والدین بی‌تفاوت نباشند. فرزندان باید به سلامت جسم و روان خود توجه بیشتری داشته‌باشند و از اضطراب و تشویش اجتناب ورزند تا بتوانند به والدین خود کمک کنند، بنابر این ورزش، تغذیه مناسب، تفریح، همنشینی با دوستان معنوی و همدل، دیدن فیلم‌های طنز و کمدی و... می‌تواند سبب نشاط شود البته هر چه قدر والدین را در این برنامه‌های نشاط‌بخش همراه کنند فضای خانواده آرام‌تر خواهد شد.

س: به‌منظور افزایش آگاهی فرزندان در جهت کاهش اختلافات والدین چه راهکار‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

-راهکار اول این است که فرزندان خودشان مستقیم دخالت کنند، در این روش فرزندان باید توجه داشته‌باشند که پدر ومادرشان در چه موقعیت‌سنی و فرهنگی‌اند که با برخورد صحیح بتوانند نتیجه‌درستی بگیرند؛ زیرا پدر ومادر هر قدر سناشان بالاتر می‌رود؛ انتقاد فرزندان خود زودتر رنجیده می‌شوند؛ لذا باید دقت لازم را بکار برد تا بر خورد فرزندان منجر به رنجش خاطر پدر یامادر نشود.

راهکار دوم به‌جایگاه فرزندان در نزد والدین مربوط می‌شود که مؤلفه‌ی بسیار مهمی است؛ یعنی فرزندان باید موقعیت خود را هم در نظر بگیرند که اگر با پیش‌گذار و نصیحت‌کنند، آیا او می‌پذیرند یا اوضاع از آنچه که هست بدتر خواهد شد؟ به‌عنوان مثال اگر در خانه‌ای چهار فرزند وجود دارد، باید در نظر گرفت که کدام‌یک از فرزندان پیش‌پدر ومادر محبوبیت بیشتری دارد تا او اقدام کند و راهکار‌های لازم را بیان کند؛ زیرا احتمال تأثیر گذاری اواز فرزندان دیگر به‌مراتب بیشتر است، همچنین در این راهکار تفاوتی بین دختر یا پسر نیست، حتی این‌که فرد تأثیر گذار کوچک‌تر از دیگر فرزندان باشد.

راهکار سوم آن است که از فردی که والدین از او حرف شنوی دارند درخواست‌شود که ریش سفیدی کند و مشکل را حل کند. ممکن است آن شخصی از بستگان نزدیک مانند پدر بزرگ یا مادر بزرگ، عمو یا دایی وباز دوستان نزدیک پدر ومادر باشد، به‌هر حال فرزندان از فرد مورد نظر بخواهند که مداخله ومصلحت‌اندیشی کند.

راهکار چهارم مطالعه است، در این روش اگر پدر ومادر اهل مطالعه هستند کتاب‌های تربیتی ودینی که آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد در اختیار آنان بگذارند، تا مطالعه کنند و یا خود فرزندان با مطالعه آن کتب می‌توانند راه و روش صحیح بر خورد باوالدین را در این‌گونه موارد پیداکنند.

مدیر هنری: کلوش مریخی
عکاس: مهدی هادی
چاپ: سلام
توزیع: نشر گستر امروز

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر
سر دبیر: عابدین سالاری اسکر
معاون سردبیر: افسانه قانع
مدیر اجرایی: عبدا... سالاری

سر باز معلمی است که در پایه ششم هدایت آنها را به دست گرفته است؟ نتیجه پیگیری من در نهایت می توانست این باشد که معلم باید در طول تابستان و تعطیلات برای تقویت دانش آموزان در مدرسه حاضر شود و کمتر معلمی حاضر است تعطیلات خود را خراب کند تا به دانش آموزان تمرین دهد تا به سطحی از پیشرفت تحصیلی برسد. حتی به من گفتند در نهایت دانش آموز پایه تحصیلی را طی می کند پس اصرار بر آموزش بیشتر به آنها بی دلیل است. در عمل هم همین اتفاق افتاد و همه دانش آموزان قبول شدند و به پایه بالاتر رفتند. برخلاف میل باطنی مجبور شدم آن ۳ دانش آموز را با نمره قابل قبول به سطح بالاتر بفرستم. شاید به این نتیجه رسیدم که حرف مدیران مدرسه منطقی است و دانش آموزی که تا پایه ششم چیزی نیاموخته، دیگر آمیدی به آموزش وی نیست.

این سر باز معلم مشکل اصلی را در عدم پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فقر فرهنگی در مناطق پاره شده می داند و می افزاید: والدین دانش آموزان در جریان مسایل فرزندانشان بودند اما وضعیت فرهنگی منطقه به شکلی بود که والدین خیلی پیگیر وضعیت تحصیلی بچه هایشان نبودند. دانش آموزانی داشتیم که اصلاً تکالیف خود را انجام نمی دادند و از سوی خانواده هم هیچ فشاری روی آنها نبود. در جلسات ماهانه با اولیا موضوع را مطرح می کردم اما نمی پرسیدند فرزندشان در مدرسه چه می کند یا چه چیزی یاد گرفته است. هیچ ابزاری غیر از روابط صمیمانه برای هدایت دانش آموزان نداشتیم. وقتی دانش آموزی تکلیف خود را نمی نویسد در مرتبه اول جریمه می شود و این جریمه چند بار تکرار می شود اما دانش آموز کمترین توجهی نمی کند. وی می گوید: سال اول با قبولی همه دانش آموزان تمام شد. اما سال دوم زمینه کاری مدرسه مورد نظر تغییر کرد و مدرسه به پایه راهنمایی یا همان متوسطه اول تغییر کاربری داد و من به یک مدرسه در مناطق مسکن مهر شهریار منتقل شدم و کلاس دوم به من سپرده شد. این مدرسه تا حدی کودکانه تر بود چون فقط مقطع اول، دوم و سوم را پوشش می داد. محیط صمیمانه تر بود و از سویی انتظار از دانش آموزان پایه دوم به مراتب کمتر از پایه ششم است اما در این کلاس هم ۲ نفر خواندن و نوشتن را بلد نبودند و در طول سال تحصیل هم پیشرفت چندانی نداشتند.

هم بودند که شرایط تحصیلی بسیار خوبی داشتند اما وجود دانش آموزان پایه ششم که سواد خواندن و نوشتن نداشتند برایشان شوک آور بود.

مهدی در مورد پیشرفت علمی دانش آموزان بی تفاوت نبود و مراتب را به مسئولان مدرسه و حتی مدیران آموزش و پرورش منتقل کرده است. خودش توضیح می دهد: مساله را با مدیر و مسئولان مدرسه مطرح کردم اما هیچیک توجهی نداشتند و توجیهشان این بود که اگر دانش آموزی را در پایان سال تحصیلی رد کنیم تبعاتی برای معلم و مدرسه دارد. معتقد بودند اگر دانش آموزی می توانست پیشرفت کند تا به حال آموخته بود و اگر پیشرفتی نداشته باید به حال خود رهاش کنیم. زیرا تلاش مایه نتیجه است و کاری از دست یک سر باز معلم بر نمی آید. وقتی بیشتر اصرار کردم من را تهدید کردند که در حال بر هم زدن جو مدرسه هستیم و بهتر است با آرامش ۲ سال سر باز معلمی را بگذرانم و بروم.

پس از آن موضوع را به صورت حضوری با یکی از معاونان وزیر آموزش و پرورش وقت عنوان کردم. حتی برگه های امتحانی دیکته و ریاضیات دانش آموزان را به عنوان مدرک به ایشان دادم. ایشان قول رسیدگی دادند و یک هفته بعد بازرسانی از وزارت آموزش و پرورش به مدرسه آمدند و کلاس من و چند کلاس دیگر را مورد ارزیابی قرار دادند و گزارش سطح علمی مدرسه ارائه کردند.

وی ادامه می دهد: باز خوردی از این گزارش ندیدم و تنها نتیجه ملموس آن ایجاد مشکلاتی برای من بود. مدتی بعد از آمدن بازرسان، به اداره آموزش و پرورش منطقه احضار شدم. با دلایل و بهانه های من را در میانه سال تحصیلی تهدید به تغییر مدرسه و انتقال به روستاهای دور افتاده کردند. البته بعد می دانم آقای معاون در جریان این قضایا قرار گرفته باشند اما وقتی مسئولان منطقه با مخالفت و مقاومت من مواجه شدند از من خواستند خیلی از مسایل را مطرح نکنم زیرا به عواقبش نمی آزد. البته بعداً شنیدم که معاون وزیر وجود سر باز معلمها را عامل افت تحصیلی دانش آموزان اعلام کردند و در واقع همه تقصیر ها به گردن سر باز معلمها افتاد. من از اینجا به ایشان می گویم که دانش آموزانی که ۵ پایه را با معلمان رسمی آموزش و پرورش گذرانده است، چطور مقصر بی سواد می او

منوس شدن با دانش آموزان سبب می شود که علاوه بر کنترل کلاس، دانش آموزان شوق به آموختن پیدا کنند. تجربه من نشان داد معلمان با ۲۰ سال سابقه شور و نشاط لازم برای برقراری ارتباط مناسب با دانش آموزان را ندارند. همچنین فاصله سنی زیاد سبب می شود درک مناسبی از روحیات بچه ها نداشته باشند. از این نظر امتیازی که سر باز معلمها دارند همین فاصله سنی کم با دانش آموزان است.

تنبیه دانش آموزان هنوز در مدارس رایج است

مهدی با انتقاد از شیوه برخورد برخی معلمان با دانش آموزان ادامه می دهد: برخورد معلمان با دانش آموزان گاهی توأم با خشونت است. ما یاد گرفته ایم دانش آموزی که درس نمی خواند را با کتک و تنبیه کنترل کنیم. این مساله اگر چه در سالهای اخیر کمتر شده است، اما بعضی از این دو سال شاهد تنبیه دانش آموزان از سوی معلمان بودم و خشونت هنوز مهمترین ابزار کنترلی برای معلمان دستکم در مدارس است بود که در آنها خدمت کردم.

این سر باز معلم یکی از چالش های نظام آموزش و پرورش را موضوع پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می داند و می گوید: در هر کلاسی دانش آموزان با استعداد های مختلف حضور دارند. اینکه ما انتظار داشته باشیم شرایط تحصیلی همه مشابه باشد دور از انتظار است. از یک کلاس ۳۰ نفره ممکن است ۵ نفر در سطح عالی باشند، ۱۰ نفر خوب، ۱۰ نفر متوسط و بقیه ضعیف باشند. این طبیعی است اما در کلاس من در پایه ششم ابتدایی چند نفر از دانش آموزان در حد صفر مطلق بودند به طوری که حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند. دانش آموزانی بودند که با گذراندن ۶ پایه، هنوز حروف الفبا را بلد نبودند و تفاوت الف و ب را نمی دانستند. این دانش آموزان از نوشتن یک کلمه با مفهوم عاجز بودند. این مساله به قدری واضح بود که از همان روزهای نخست حضورم در کلاس متوجه شدم و با یکی دو سوال و جواب کوتاه متوجه سطح تحصیلی دانش آموزان شدم زیرا برخی از آنها توانایی معرفی خود را نداشتند. با گذشت یک ماه از سال تحصیلی و برگزاری یک آزمون درون کلاسی عمق فاجعه بیشتر مشخص شد زیرا در آزمون کتبی متوجه شدم که ۳ دانش آموز به هیچ سوالی پاسخ نداده اند و تنها به سوالات ۴ گزینشی با علامت ضربدر پاسخ داده اند که آن هم بر اساس شانس و اقبال بوده است. آنها در جواب سوالات جای خالی کلماتی بی مفهوم مثل «الخت» یا «تابرت» نوشته بودند. با کمی سوال و جواب متوجه شدم این دانش آموزان علاوه بر اینکه پاسخ سوالات را نمی دانند، اصلاً نمی توانند صورت سوالات را بخوانند. ۳ دانش آموز این شرایط را داشتند. البته دانش آموزانی



چالش های از زبان یک سر باز معلم معلمان دو شغله و بیسواد دانش آموزان جوانان بیون تریبون:

عنوان سر باز معلم مشغول کار شده، در مورد نگاه خود به معلمی و فاصله این تصور با واقعیت، معتقد است: در نگاه اول همه چیز آرمانی است و برای مخاطبی که از بیرون به قضیه نگاه می کند همه امور عقلانی و منطقی به نظر می رسد. به ویژه شغل معلمی که با فرهنگ سازی و تربیت کودکان ارتباط مستقیم دارد، این تصور را ایجاد می کند. البته همینطور هم هست اما استثنائاتی وجود دارد. مواردی را داشتیم که معلمان حتی مشکل اخلاقی داشتند. اینها افرادی بودند که معلمی را فقط به عنوان یک شغل یا منبع درآمد می دیدند و مدرسه برای آنها فرقی با جرحه باز یا کارمندی نداشت. این مساله آسیب زیادی را به سیستم آموزش و پرورش وارد می کند.

معلمان با پدیده امنیت اقتصادی داشته باشند

مهدی در مورد تجربه خود از چالش های معلمی، نبود امنیت اقتصادی راز جمله دلایل بروز مشکلات می داند و اظهار می کند: معلمان باید مثل همه اقشار جامعه در رفاه نسبی زندگی کنند و درآمد کافی داشته باشند اما بدون استثنای همه معلمان که من با آنها ارتباط داشتم از درآمد خود ناراضی بودند و این نارضایتی تأثیر خود را بر ارتباط با مدرسه و دانش آموزان می گذارد. شرایط نامطلوب اقتصادی موجب گرانگیزه معلمان می شود در حالی که حساسیت ها روی شغل معلمی خیلی زیاد است و دستکم ۳۰ دانش آموز یک کلاس بیشتر بین ساعات خود را تحت تأثیر معلم هستند. تجربه من نشان داد که دانش آموزان معلم خود را به اندازه پدر و مادر الگویی می دانند و نگاه دانش آموز به معلم همانند کسی است که هیچ خطایی نمی کند و هر آنچه انجام می دهد مصداق رفتار درست است. این در حالی است که قریب به اتفاق معلمان که با آنها همکاری کردم بعد از ظهرها شغل دوم داشتند و فرصتی برای مطالعه و ارتقای علمی پیدا نمی کردند.

این سر باز معلم در ادامه می گوید: مدرسه مادر سال اول دوره سر باز معلمی من ۸ کلاس داشت و من در بدو ورود، معلم پایه ششم یعنی پایه آخر ابتدایی شدم. در مجموع مدت ۱۸ ماه یعنی ۲ سال تحصیلی سر باز معلم بودم اما دانش آموزان یا اولیا اطلاع نداشتند که من سر باز معلم هستم. اینطور نبود که جز همکاران کسی اطلاع داشته باشد چون تصور این است که والدین به سر باز معلم اعتماد نمی کنند و او را به چشم فردی بی تجربه می بینند که فقط به دنبال طی دوران سر بازی است. اگر داغ سر باز معلمی روی پیشانی کسی بخورد حتی توان اداره کلاس و دانش آموزان را از دست می دهد.

وی معتقد است: در دوره ابتدایی به ظاهر نیاز به تخصص ویژه ای نیست و ارتباط موثر با دانش آموزان بیشترین تأثیر را در موفقیت معلم و دانش آموزان دارد.

ناسامانی در آموزش و پرورش بر کسی پوشیده نیست اما بیان برخی از این چالش ها از سوی جوانی که ۲ سال به عنوان «سر باز معلم» در مناطق حاشیه ای تهران خدمت کرده، جالب توجه است.

خبرگزاری مهر: سر باز معلم ها معمولاً به مناطق دور افتاده یا کمتر توسعه یافته فرستاده می شوند اما اطراف شهر تهران مناطقی هست که از نظر توسعه یافتگی تفاوت چندانی با نقاط دور افتاده کشور ندارد. «مهدی» یکی از جوانانی است که ۲ سال تحصیلی را در این مناطق به عنوان «سر باز معلم» خدمت کرده است و حالا برخی از تجربیات او از نظام آموزش و پرورش جالب توجه است.

این سر باز معلم که حالا دوره خدمت خود را به پایان رسانده است، در مورد ورود خود به دوره سر باز معلمی می گوید: وضعیت به شکلی است که معلمان تمایل چندانی برای حضور در مدارس مناطق حاشیه ای پایتخت ندارند و سکونت و اشتغال در تهران را ترجیح می دهند. دقیقه به همین دلیل طی سالهای گذشته همواره ظرفیت های خالی در مدارس شهرها و شهرک های اطراف تهران وجود دارد. این ظرفیت خالی توسط سر باز معلمها تکمیل می شود. سر باز معلم ها پس از گذراندن مهارت های آموزشی، یک دوره ۲۴۰ ساعته را در طول تابستان طی می کنند و از مهر ماه به عنوان معلم سر کلاس حاضر می شوند. او که در یکی از مدارس دور افتاده شهرستان شهریار به

تدریس خصوصی درس عربی
استاد بخوار رخصتا
کارشناس ارشد عربی
تدریس خصوصی در تمام مناطق تهران و کرج
تلفن: ۰۹۳۹۳۴۳۵۰۱
@ladris_khosousi_arabi